

لازمه پیروزی بر امپریالیسم امریکا

نامه
مردم
۲۰ پ
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۹
چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۵۹، مطابق با
مهر ۱۳۰۱، بهار ۱۵، سال

سرکوب ضد انقلاب داخلی است

یک تپه به دفاع از همین انقلاب
خویش برخاسته و با فداکاری
های حماسه آمیز در جبهه و پشت
جبهه و با تحمل انواع حرمانها
در کار آینه که پوزة تجاوز را
بر خاک مالند، ضدانقلاب در راستای
هنگامی با دشمن، در همه جبههها
سرگرم خرابکاری و تدارک زینت
برای شکست انقلاب است.
ضدانقلاب داخلی هر کجا که
هست، باقتضای شرایط، در تلاش
است که با عمل و تسمیم و قلم
و قلم خود در مسیر انقلاب مانع
تراشی کند و با کارشکنی در
تولید ایجاد کیود مصنوعی و
بقیه در صفحه ۲

و دست نشانده میمن آن صدام
جناپکار بیروز شوم و بیروز
خواهیم شد. اما نباید لحظه ای از
این حقیقت غافل ماند که از
حوامل موثر پیروزی در جنگ
تحصیلی و نبرد نهایی با امپریالیسم
تجاوز آمریکا، ریشه کن ساختن
هرورده است، که ستون پنجم
دشمن است و لجهای از تحریک
و تقنین و صیبه علیه انقلاب ما
غافل نیست.
در شرایطی که عوادمی مردم
به پیروی از آرمان و آزادی استقلال
طلبی و کینه و نفرت نسبت به
امپریالیسم مسلطه گر، یک دل و

جنگ تحصیلی و تجاوز کارانه
دارد صدام حسین علیه ایران
انقلاب، که فصل خونین تازه ای
از تجاوز امپریالیسم دستان امریکا
به همین آزاد ماست، موجب شد
که همه مسائل را تحت الشعاع
قرار دهد و بحق به مسئله گری
سیاست کشور و همه عناصر،
گروهها و سازمانهای میمن دوست
بدل شود، همه نیروها در آن
سوئی بسج شوند که پیروزی ما
را بر خصم تجاوز کار تضمین
کند و کلیه امکانات در آن راستای
بکار گرفته شوند، که غرض
قطعی را بر متجاوزان وارد سازد.
بر تردید باید ما بر امپریالیسم

این جنگ را آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر اه انداخته است

ره صدساله می رود، چنین نیز شد.
بزودی یک مرز بندی دقیق در میان
دوستان و دشمنان جمهوری
اسلامی ایران، چه در داخل کشور
و چه در عرصه جهانی پدیدار
گشت، سوریه و لیبی و الجزایر
و جنبش آزادی بخش فلسطین و
جمهوری دمکراتیک خلق کرمو...
یاقتضای ماهیت ضد امپریالیستی
و خلقی و انقلابی خود در دسترس
جمهوری اسلامی ایران صف
کشیدند و شاه حسین و شاه خالد
و انور السادات و ضیاء الحق و
شاه حسن یاقتضای ماهیت خبیث
نوکری و وابستگی به امپریالیسم،
در کنار صدام، جناپکاران است شدند
و در واقع، اگر با نظری وسیع تر
بر مسئله بنگریم، بیرونی خواهیم
دید که بر سر مسئله ایران و
دفاع از انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران یک مرز بندی
وسیع بمقیاس جهانی صورت گرفته
است. این واقعیت که از همان
آغاز انقلاب ایران برای ما همه
کسانی که به جهان با دید علمی
مرنگند، روشن بود، در جریان
جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه
میهن ما در عمل بیانیات رسید،
یادابا رسید که تجاوز رژیم
صدام علیه جمهوری اسلامی ایران
یسود امپریالیسم جهانی، پسر-
کردگی آمریکاست، و طراح
و تحریک کننده این تجاوز نیز
آمریکابود است و نه کسی دیگری.
و امروز نیز، در حالی که جبه
دوستان ایران در پست سر ایران
محکم و پابرجا ایستادند، در
سوی دیگر صف دشمنان جمهوری
اسلامی ایران نیز بسرگردگی
آمریکا علیه میهن آزاد و مستقل
ما سترگ بسته اند.
و تکیه میگویم که جنگ
رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی
ایران یسود آمریکاست، پایه
استدلالان تنها این حکم درشت
علمی نیست که، آمریکا امپریالیست
است و امپریالیسم ذاتا تجاوز و
بقیه در صفحه ۲

که فقط از احساس حقانیت خود
بر میخیزد نظرات رهبران و مسئولان
کشور ما و افکار عمومی کشور
ما، در همه رتبهها و زمینهها
ثابت کرد که رژیم صدام عراق
به کشور ما تجاوز کرده است و ما
در مقابل این تجاوز، از استقلال،
آزادی و شرف خلق و میهن خود،
از انقلاب بزرگ و امید آفرین
خود دفاع می کنیم.
در این جنگ ظالمانه و
راهنانه رژیم صدام، مراکز
تبلیغاتی امپریالیستی-صیونیستی
کوشیدند که گناه آنرا بگردن
ایران بیندازند. ولی بزودی و در
میدان واقعیت نبرد روشن شد که
میهن ما جز قربانی یک تجاوز
آشکار چیز دیگری نیست. مدافع
بودن ما، پایبندی و قهرمانی و
فداکاری حمله آفرین خلق ما،

نبرد میان حق و باطل، آن
سنگ محکمی است که عیارها را
روشن میکند. و جنگ تحصیلی
رژیم جناپکار صدام علیه کشور
آزاد و ازبندسته ما، یک سنگ
محک تاریخی و یکی از میدانهای
شخص گشتن اصل از قلب و
حقیقت از دروغ است.
در آغاز این جنگ ظالمانه
راهنانه رژیم صدام، مراکز
تبلیغاتی امپریالیستی-صیونیستی
کوشیدند که گناه آنرا بگردن
ایران بیندازند. ولی بزودی و در
میدان واقعیت نبرد روشن شد که
میهن ما جز قربانی یک تجاوز
آشکار چیز دیگری نیست. مدافع
بودن ما، پایبندی و قهرمانی و
فداکاری حمله آفرین خلق ما،

رزمندگان قهرمان ایران مواضع دشمن را در جبههها کوبیدند

که سردیروز انتشار یافت بمخنی
از تاجیب نبردهای رزمندگان دلیر
ارتش جمهوری اسلامی ایران در
نیروهای زمینی و هوایی، بشرح
زیر باطلاع مردم رسانده شده
است:
الف - عملیات نیروی زمینی
۱- در جبهه غرب، روز ۱۹
آبان، یک فروند هلیکوپتر دشمن
سرنگون شد. عملیات جنگی
در این جبهه حدود ۳۰ مزدور صدام
کشته و بیش از ۵۰ نفر مجروح
شدند.
۲- در جبهه شمال نهاب، بره
آتش هلیکوپترهای هوا نیروی
قهرمان، در ۱۸ آبان، ۴ سنگر
دشمنی دشمن به میزان ۱۰۰
در حد منهدم شد و تلفات قابل
توجهی به دشمن وارد آمد.
۳- در جبهه سوسنگرد در
نتیجه آتش توپخانه لشکر ۹۲،
برادران پاسدار و ژانداره، روز
۱۹ آبان، ۸ دستگاه تانک در
محور سوبله - یستان منهدم و
تعداد زیادی از مزدوران کشته
و زخمی شدند.
۴- در جبهه دزفول هلی کوبتر-
های جنگنده هوا نیروی سازختمان
محل استقرار دشمن را منهدم
کردند و نفرات مستقر در آنرا
همراه با تعدادی خودرو نابود
ساختند.
۵- در جبهه آبادان رزمندگان
دلیر نیروی زمینی، در اطراف
رودخانه بهشتی، ۳ دستگاه
تانک را همراه با گروهی از قوای
دشمن منهدم و ۲ تن از افراد آن
را دستگیر کردند.
۶- در جبهه اهواز در نتیجه
آتش توپخانه سنگین نیروی زمینی
۱۵ دستگاه تانک، یک توپ و یک
خودروی دشمنان نابود شد
و حدود ۴۰ تن از مزدوران صدام
به هلاکت رسیدند.
۷- در جبهه رودخانه کرخه گمانهای
گشتی ارتش پروری قوای دشمن
آتش گشودند، که در نتیجه در
داخل قوای دشمن انتشار ایجاد
شد، مزدوران روحیه خود را
بناخته، بجان هم افتادند و تلفات
سنگینی بیکدیگر وارد کردند.
ب - عملیات نیروی دریایی

نبرد قهرمانانه ارتش جمهوری
اسلامی ایران، سپاه پاسداران
و نیروهای مردمی در تمام جبهه
ادامه دارند.
بر اساس گزارش خیرگزاری
پارس از کرمانشاه، رزمندگان
دلاور جمهوری اسلامی ایران در
جبهه های غرب همچنان به نبرد
علیه نیروهای متجاوز رژیم عراق
ادامه میدهند و تلفات و خسارات
قابل توجهی در جبهه های سرحد-
نهاب، قهر شیرین، سومار، گیلان-
غرب و گانر سر به دشمن متجاوز
وارد کرده اند.
بنابر همین گزارش، در جبهه
قهر شیرین دیروز دو تانک دشمن
مورد اصابت آتش توپخانه مدافعان
انقلاب اسلامی قرار گرفت و یکی
از تانکها منهدم و تانک دیگری
آتش کشیده شد و خدمه و تانک
به هلاکت رسیدند.
بر اساس گزارش همین خیر-
گزاری، مطابق استاندارد اسلام
اطلاع داد که رزمندگان دلیر
جمهوری اسلامی ایران دیروز در
این منطقه موفق شدند یک دستگاه
موتورک هدایت شونده دشمن را
به وسیله خمپاره بکلی منهدم
سازند و بیک تانک متجاوز گران
را به آتش بکشند. در این درگیری
تعدادی از افراد دشمن به هلاکت
رسیدند.
اطلاعه شماره ۲۷۲ ستاد
مشترک ارتش جمهوری اسلامی
ایران نیز حاکی است که قهرمانان
هوایی ارتش نیروی زمینی ارتش
جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)
روز ۱۹ آبان در منطقه جنوب
غربی اهواز، در یک یورش ناگهانی،
تلفات و خسارات به این شرح
به دشمنان وارد آورده اند:
۱- معدوم کردن بیش از یکصد
مزدور صدام و زخمی کردن حداقل
۴۰ نفر از نفرات دشمن،
۲- انهدام ۹ دستگاه تانک و
خدمه آنها،
۳- انهدام یک توپ سیک و
سه دستگاه خودرو با نفرات مربوطه،
۴- به آتش کشیدن یک چادر
مهمات دشمن.
در اطلاعیه شماره ۲۷۹ ستاد
مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران،

در صفحات بعد

اهلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان
بمناسبت شهادت رفیق سیمین سلامی زاده
امداد گری از سنگرهای
مقاومت
که به تبار شهیدان پیوست

بندر باه امدادگر سنگرهای حماسه و شهادت شهر ملشهور
آبادان، رفیق شهید سیمین سلامی زاده بردستهای خلق
زحمتکش ما شهنر تشیع شد.

این افتراات کذب محض است

ساد اقیسم

در باره یک شگرد ابلیسی امپریالیستی برای مسخ
انقلابهای ضد امپریالیستی

منه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لازمه پیروزی...

بقیه از صفحه ۱

گرانی، ایجاد هرج و مرج، بیثباتی و یاس در اذهان ساده و اقتصاد پدیده نفاق و اختلاف، به مقصد پلید خود، که شکست انقلاب است، دست یابد.

ضدانقلاب داخلی در عرصه تولید صنعتی، در شرایطی که تولید هر چه بیشتر از عوامل فوق ما بردن حمله گر است، به سبب آنکه در تولید کمرنگ و از جمله کمبود مواد اولیه، قطع برقی، حداقل مستند کارگران و غیره و غیره، در روند تولید کمرنگی میکند، تولید را تحلیل می کند و کارگران را به خیابان می ریزد. کارفرمایان و مدیران طاقوتی، که سایرین دراز به غارت میلیاردها ریالی هارت داشتند، اکنون که نظام جمهوری اسلامی آن مناسبات ظالمانه را متحول ساخته و تحصیل آن سودهای بادآورده را ناممکن نموده است، هر کجا که توانسته اند، سرمایه های خود را از عرصه تولید خارج و به عرصه بازار گانی، که هنوز منبع سودهای کلان است، منتقل ساخته اند. بدینسان، آنها هر در عرصه تولید مانع از افزایش کالا و تأمین نیاز جبهه و پشت جبهه میشوند، هم با اخراج کارگران بر فرضیاتی می افزایند و هم به غارت خود ادامه میدهند. در شرایط ویژه کنونی، بخش بازار گانی، عرصه گسترده فعالیت ضد انقلاب داخلی است. عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی موفقیت ضدانقلاب داخلی را در این عرصه تضمین کرده است. که با تسلط بر بازار، واردات و توزیع، جهان را به کام خویش کردند. چه بسیار سرمایه داران وابسته - فعال در بخش بازار گانی - که در دوران پس از انقلاب ثروت خود را چندبرابر کرده اند. آنها که بگفته آن مقام وزارت بازرگانی، حتی جوش شیرین کیلوشی ۳ تومان را به بهای ۸۷ تومان می فروشد، آنها که با احتکار کالا - های مورد نیاز مردم، بیای برنج و روغن و زغال و سیگار را به مرزهای طاقت شکن رسانده اند، آنها که با سوءاستفاده از شرایط ویژه جنگ، هر کمبود و هر نارسائی را بطنع جیب خود به مثابه تبدیل میکنند، آنها که بجای هدلی و هفتائی با توده های محروم و دفاع از انقلاب، سرگرم بهرم برداری از پیامدهای جنگ - سود خویشند، بی تردید ضدانقلابند و باید بدون تخیل دستشان از اقتصاد کوتاه شود.

ضدانقلاب داخلی در عرصه تولید صنعتی، در شرایطی که تولید هر چه بیشتر از عوامل فوق ما بردن حمله گر است، به سبب آنکه در تولید کمرنگ و از جمله کمبود مواد اولیه، قطع برقی، حداقل مستند کارگران و غیره و غیره، در روند تولید کمرنگی میکند، تولید را تحلیل می کند و کارگران را به خیابان می ریزد. کارفرمایان و مدیران طاقوتی، که سایرین دراز به غارت میلیاردها ریالی هارت داشتند، اکنون که نظام جمهوری اسلامی آن مناسبات ظالمانه را متحول ساخته و تحصیل آن سودهای بادآورده را ناممکن نموده است، هر کجا که توانسته اند، سرمایه های خود را از عرصه تولید خارج و به عرصه بازار گانی، که هنوز منبع سودهای کلان است، منتقل ساخته اند. بدینسان، آنها هر در عرصه تولید مانع از افزایش کالا و تأمین نیاز جبهه و پشت جبهه میشوند، هم با اخراج کارگران بر فرضیاتی می افزایند و هم به غارت خود ادامه میدهند. در شرایط ویژه کنونی، بخش بازار گانی، عرصه گسترده فعالیت ضد انقلاب داخلی است. عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی موفقیت ضدانقلاب داخلی را در این عرصه تضمین کرده است. که با تسلط بر بازار، واردات و توزیع، جهان را به کام خویش کردند. چه بسیار سرمایه داران وابسته - فعال در بخش بازار گانی - که در دوران پس از انقلاب ثروت خود را چندبرابر کرده اند. آنها که بگفته آن مقام وزارت بازرگانی، حتی جوش شیرین کیلوشی ۳ تومان را به بهای ۸۷ تومان می فروشد، آنها که با احتکار کالا - های مورد نیاز مردم، بیای برنج و روغن و زغال و سیگار را به مرزهای طاقت شکن رسانده اند، آنها که با سوءاستفاده از شرایط ویژه جنگ، هر کمبود و هر نارسائی را بطنع جیب خود به مثابه تبدیل میکنند، آنها که بجای هدلی و هفتائی با توده های محروم و دفاع از انقلاب، سرگرم بهرم برداری از پیامدهای جنگ - سود خویشند، بی تردید ضدانقلابند و باید بدون تخیل دستشان از اقتصاد کوتاه شود.

ضدانقلاب داخلی با افتادن پدیده نفاق و اختلاف سعی میکند که ارتش را نسبت به پاسدار، پاسدار را نسبت به ارتش، هر دو را نسبت به مردم داوطلب بدین سازد، میان روحانی و غیرروحانی، تفرقه اندازد. انقلاب را از دستان سپیدی خود جدا کند و از این جو آکنده از نفاق و آشوب به زبان انقلاب بهره برد.

مصلحت انقلاب حکم میکند که ضدانقلاب داخلی در هر جا و زیر هر نقاب و در هر لباسی که هست، آفتا و سرکوب شود. تا انقلاب متحدتر و یکپارچه تر، یا بهره گیری از امکانات مساعدتر، راه پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و تجاوزان صدامی را کوتاه تر سازد.

قطع دست سرمایه داری وابسته از عرصه تولید صنعتی و بازرگانی کشور، ملی کردن بازرگانی خارجی، اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و کوتاه کردن دست فئودالها و بزرگ مالکان، خنثی کردن فعالیت مغرب و ضدانقلابی ساواکیان آزاد شده و عوامل رژیم پیشین، تصفیه رسانه های گروهی از ستون پنجم امپریالیسم آمریکا که سعی در تضعیف روحیه انقلابی مردم و سلب اعتقاد آنان به انقلاب دارند، همه و همه از جمله اقدامات مهم و ضروری است که باید در راه تأمین پیروزی قطعی و نهایی انقلاب بر ضد انقلاب و امپریالیسم پشتیبان آن، بدون تأخیر انجام گیرد.

وزمندگان قهرمان ..

بقیه از صفحه ۱

خود را و ناگزیر به عقیدتی شده بود، روستاهای شایر اطراف رادر زیر آتش توپخانه و خمپاره - اندازهای خود قرار داد. طی این حمله ناجوانمردانه، ۲ تن غیر - نظامی در روستای دهلاویه به شهادت رسیدند.

۲- برادران پاسدار در ۴۸ ساعت گذشته چندین بار با عملیات چریکی مواضع دشمن یعنی در منطقه غرب را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات تعدادی از مزدوران به هلاکت رسیدند و گروهی نیز زخمی شدند.

۳- یک گروه از برادران رزمنده سپاه پاسداران در جنوب کشور، روز ۱۹ آبان ماه، به همراه عثمانی فریب محلی، بانفوذ در قلب دشمن، با ایجاد کمین و آتش به یک دستگاه خودروی اوبال دشمن حمله و آنرا بکلی منهدم کردند و کلیه سرنشینان آن را به هلاکت رساندند.

برادران پاسدار پس از ایمن صیقلیت همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند. همچنین ۲ نفر از سربازان فریب خورده ارتش بهت مرقاق در غرب رودخانه کرخه دیپوز خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در جبهه تسلیم و اظهار کردند که روحیه جنگی سربازان و فرماندهان ارتش بهت شدت خفیف است و اغلب منتظر فرصت برای فرار و پیوستن به ارتش اسلام هستند. یک مقام سوئی و آگاه در جبهه صالح آباد گزارش داد، معرزم دروغ رازیبی رادیو بغداد، که اعلام کرده است در عملیات پاسداران هوایی منطقه صالح آباد در غرب کشور ۱۰۰ نفر از مردم وطن ما کشته شده اند، جهت رفع هرگونه تکرانی با اطلاع می رسانند: نیرو - های دشمن در این جبهه بقدری ضعیف و ناتوانند که از انجام هرگونه حمله علیه نیروهای دلاور ما و مردم قهرمان و مسلمان منطقه عاجز شده اند و اصولاً هیچگونه حمله هوایی نیز به این منطقه صورت نگرفته است.

همچنین یکی از برادران دلیر و رزمنده سپاه پاسداران انقلاب در جبهه غرب به غیر گزار بیارس اظهار داشت: «از شروع این جنگ تحمیلی برادران سپاه شاهنگ یا برادران ارتش خود فعالیت های وسیعی انجام دادند و با دلاوریهای خود مفت محکمی بر - دهان مزدوران عراقی وارد آورده و می آورند».

وی تأکید کرد: در روزی نیست که فاتکهای این مزدوران منهدم نشده و روزی نیست که در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ نفر از مزدوران متجاوز به هلاکت نرسند.

تصحیح

در نامه «مردم»، در شماره ۳۶۸، آمده است که سرمقاله روزنامه انقلاب اسلام، مورخ ۱۴ آبان ۵۹، در اساس به نامزاکوئی و اتهام زنی علیه حزب توده ایران اختصاص داده شده است. تاریخ ۱۴ آبان ۵۹ غلط و ۱۹ آبان ۵۹ صحیح است.

این جنگ را...

بقیه از صفحه ۱

قدر است، بلکه علاوه مشاهده می کنیم که آمریکا با مقابله خصمانه علیه انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز انقلاب، و بویژه پس از تحریک رژیم صدام به تهاجم و تجاوز علیه کشور مستقل و آزاد ما، چه بیانه ها و امکانات دستاویز هائی برای اجرای سیاست امپریالیستی خود بنمست آورده است.

اولاً امپریالیسم آمریکایا تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، چنانچه توطئه خود را برای براندازی جمهوری اسلامی ایران اجرا کرده است. نقشه کلی در این تجاوز این بود که با یک ضربت فلفلیکیزانه کاری، در ظرف چند روز، نیروهای مسلح ایران و بنیه اقتصادی کشور و انجام اجتماعی و سیاسی را فلج و مختل سازند، قسمتی از خاک ایران را اشغال کنند، در آن جا یکی از نوکران فراری آمریکا از قبیل پختیار را به کرسی حاکمیت بنشانند، سپس این عروسک دست - نشانده را بر مسند بنشانند و بدین ترتیب ایران را جزیره کنند، و سپس از بخش زیر سلطه خود بخش انقلابی دیگر را از خارج و داخل زیر ضربات مهلک بگیرند و گزارش را خاتمه دهند.

این نقشه شیطانی به دست خلق دلاور ما و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و درایت و قطعیت رهبر انقلاب و هم مشولان متحد نقش بر آب شده است.

ثانیاً - امپریالیسم آمریکا با تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، این نقشه «دیدنی» را هم داشت و خواهد که، اگر نقشه اول سرنگرفت، آنگاه با تحمیل جنگ فرمایشی دراز مدت از طرفی و تشکل و تزک و تهاجم و تعرض نیروهای ضدانقلابی از داخل کشور از طرف دیگر، با استفاده از مشکلاتی که جنگ بوجود خواهد آورد، راه را برای اظهار وجود فعال نیروهای ضد انقلاب باز کند، تا آنها سر از غلاف بیرون آورند و با انواع وسائل، و از جمله سخنو استهاله قهرائی انقلاب، انقلاب را به سازش و تسلیمو شکست بکشاند.

ثالثاً امپریالیسم آمریکا با تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، این بیانه را بنمست خود برای خود خلق کرده که، گویا راه دریائی نفت و تنگه هرمز در خطر است! و برای رفع این «خطر» باید در اینجا «حضور داشت»، «علیرغم بیانات مکرر دولت ایران در مورد تضمین امنیت راهابه نفت و تنگه هرمز و اجرای ضد در صد این تضمین، دولت آمریکا قریباً ۷۰ تانکر جنگی خود و همستان انگلیسی و فرانسوی و آلمانیو استرالیائی خود را با صدها هواپیما و کلاک اتمی و هزارها سرباز و غیره در این منطقه متمرکز کرده است. آمریکا ارتشهای کشور - های دست نشانده منطقه را باز هم بیشتر مجهز می سازد و پایگاه ها و فرودگاههای جدید برای خود در منطقه بوجود می آورد.

این لشکرکشی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، در واقع لشکرکشی سراسری امپریالیسم جهانی است. هدف از این لشکرکشی، تسلط بر منطقه خلیج فارس و دسترسی به منابع نفتی آن منطقه است. این لشکرکشی، در واقع لشکرکشی سراسری امپریالیسم جهانی است. هدف از این لشکرکشی، تسلط بر منطقه خلیج فارس و دسترسی به منابع نفتی آن منطقه است.

جشن های ششمین سالگرد استقلال آنگولا باشکوه فراوان بر گزار شد

مردم آنگولا در طول دوران استقلال به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته اند.

مردم آنگولا بمناسبت ششمین سالگرد استقلال خود جشن های باشکوهی در سراسر کشور بر گزار کردند. مردم آنگولا در طول دوران استقلال، در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی، بهداشتی و آموزشی به پیشرفتهای بسیار چشمگیری دست یافته اند. رهبران آنگولا بارها از کمکهای پرشانه گویا، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که به منظور تحکیم روند انقلابی در کشور صورت گرفته است، ستایش کرده اند. توتید برژنه رهبر شوروی، در پیامی برای خوزه انوار دو دوتس ساتوش، رهبر حزب کارگران آنگولا (مپلا) و رئیس جمهوری آنگولا گفت:

«تاج شوروی که صدقانه به اصول لنینی انترناتیونالیسم پروتری و دادر است، دوست و متحد آنگولا بوده و خواهد بود.» رهبر شوروی یاد آور شد: «صیانت خارجی آنگولا در مورد مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار و حمایت از جنبشهای رهایی بخش ملی روز به روز احترام بین المللی بیشتری برخوردار می شود. توانایی کشور جوان آنگولا برای مقابله با ژاندرستان آفریقائی جنوبی و دندن پسخ دندان شکن به فعالتهای تجاویز کارانه ژاندرستان، که یوسله محافل ارتجاعی و قدرتهای امپریالیستی برانگیخته می شوند، مورد تحسین و حمایت هر چه بیشتر نیروهای ترقیخواه در سطح جهان قرار گرفته است».

آنگولای انقلابی قطبانه در مسیر سوسیالیسم گام بر می دارد و تلاشهای محافل ارتجاعی برای منحرف کردن این مسیر را بانکت مواجه می کند.

همکاریهای ویتنام و جمهوری دمکراتیک خلق

یعنی گسترش می یابد

تگوبین جیله، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و معاون نخست وزیر این کشور در عدن، ما علی ناصر محمد رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن ملاقات کرد. در جریان این ملاقات، اوضاع خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا و همچنین گسترش هر چه بیشتر همکاریهای دو کشور در زمینه های مختلف مورد بحث قرار گرفت. مذاکرات رسمی میان دو کشور ادامه دارد.

اسلام ما دارای اهمیت مراتب بیشتر از آنست که بتوان آنرا در حدود مناسبات یک دولتی نست قبولت دیگر شرح داد و درک کرد. تشخیص محرک واقعی این تجاوز، یعنی امپریالیسم آمریکا، و تشخیص مقاصدش سه گانه فوق، که باخصار به آنها اشاره رفت، هم بما مردم ایران کمک خواهد کرد که صفی توطئه را بدرستی دریابیم، به خواب غفلت فرویم و بدانیم که توطئه آمریکا علیه کشور ما با تجاوز صدام پایان نمی یابد، دوست و دشمن را بدرستی از هم تشخیص دهیم، مواظب تخریبات ستون پنجم آمریکا در داخل کشور خود باشیم و چون مردمک دیده از این انقلاب و این جمهوری و وحدت انقلابی خلقها تحت رهبری امام خمینی پاسداری کنیم، و هم بمرم منطقه یازی خواهد کرد که بدانند کدام دولتها به خود خلقها تعلق دارند و لذا مورد تهاجم آمریکا و عالتی قرار میگیرند و کدام دولتها نوکر امپریالیسم و لذا علیه دولتهای انقلابی دست به تهاجم و لشکرکشی می زنند، چشم و گوش همه خلقهای آسیا منطقه ترا باز میکند که آب هم با سرمتق گیری از خلق قهرمان ایران علیه نوکران امپریالیسم بیا خیزند و در زدیف رژیم های شرقی و ضد امپریالیستی سوریه و لیبی و الجزایر، در کنار ایران انقلابی بایستند، زیرا که امروز کمک به ایران انقلابی، برای خلقهای کشورهای اسیر، حکم مبارزه در راه رهایی خود آن خلقها را دارد.

یالیسم جهانی علیه خلق های خورمیانه و نزدیک است، که با تحولات بزرگ انقلابی در مقیاس جهانی و تغییر تناسب قوای جهانی بود استقلال و آزادی خلقها، و بویژه با تأثیر حیات بخش انقلاب شکوهمند ایران، هر روز بیشتر بیدار میشوند و برای رهایی بین و دختر و سرنوتت خود از جنگال امپریالیسم خونخوار جهانی، بیا می خیزند.

این لشکرکشی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بمنطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، در واقع لشکرکشی سراسری امپریالیسم جهانی است. هدف از این لشکرکشی، تسلط بر منطقه خلیج فارس و دسترسی به منابع نفتی آن منطقه است. این لشکرکشی، در واقع لشکرکشی سراسری امپریالیسم جهانی است. هدف از این لشکرکشی، تسلط بر منطقه خلیج فارس و دسترسی به منابع نفتی آن منطقه است.

سودهی که آمریکا میخواهد از تحریک جنگ رژیم صدام علیه ایران بنمست آورد، سودهای ظالمانه، راهزانه و ضد بشری است. جنگ تجاوزگران صدامی علیه ایران، همانطور که گفتیم، آن میدان ظهور حقایق است که قبل از هر چیز به خلقهای ایران و عراق و سپس به خلقهای منطقه و سراسر جهان کمک می کند تا سودبرنده این جنگ را بدرستی تشخیص دهند. تشخیص محرک واقعی این جنگ را، تجاوز برای انقلاب و جمهوری

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ساداتیسیم

درباره یک شگرد امپریالیستی برای مسخ انقلابیهای ضد امپریالیستی

باید همه شیوه‌های ضد انقلابی امپریالیسم را شناخت، تا توانست با آنها به درستی مبارزه کرد

اساسی را بکار می‌برد: یکی براندازی و دیگری مسخ. هر دو این شگردها در عین حال بکار می‌روند. هدف اساسی براندازی مستقیم است. برای آنکه رژیسی از نوع رژیمهای پنتاگون سرکار ساد. اگر این هدف به علتی از ملل موفق شد. (که هرگز از آن انصراف حاصل نشود) در آن صورت باید طریق "سج" را بکاربرد.

سج، عینی تغییر ماهیت تدریجی یک رژیم ضد امپریالیستی به رژیم طرفدار امپریالیسم، به کمک پاران نقادار امپریالیسم، که خود را در جنبش‌های انقلابی ضد امپریالیستی حامی می‌نمایند و انتقال قدرت از دست عناصر دیگر ضد امپریالیست به دست عناصر متحد امپریالیست، که برخلاف پهلوی‌ها از اینکه دوستی ایشان با آمریکا مانند کوه محکم است (فرمایش ملوکانه) دم می‌زنند، بلکه سخنان انقلابی بر زبان دارند، همان حرفهائی را تکرار می‌کنند که مردم انقلاب کرده می‌پندند. ولی عطشان هکی طور دیگری است.

برای اجرای این مسخ در انقلاب، هزاران شگرد تازه از طرف نقشه برداران امپریالیستی (از قبیل کسینجر و برزینسکی و امثال آنها) طراحی می‌شود. نقشه‌ها همیشه بسیار بویابانه و خوش ظاهر و فریبنده است و مهربان چنان چه اندر سنجی از راست راست تا "چپ چپ" چیده می‌شود، که نه فقط افراد خام و بی‌سخت می‌شوند، بلکه حتی افراد زیرک و مواظب گاه بدام می‌افتند.

در خود ایران ما، از زمان عوام مریخی‌های هوشنگ انصاری‌ها و تریب امامی‌ها و شاهپور-بختیارها شروع کردیم و بنیاد تا این دوران، که کسانی به نام "آزادی"، "آزادی مبارزه با آخوندیسیم"، "دلسوختگی برای مین که بر باد می‌رود"، در انواع جامه‌ها، روحانی و غیر روحانی مذهبی و عرفی، تا حد "مارکسیسم-لنینیسم" خود ساخته عمل می‌کنند، و ببینید که چه صحنه کج کننده‌ای به وجود می‌آید!

باید تاکید کرد که اگر افشاگری هسته انقلابی رهبری جمهوری اسلامی ایران و بر رای آن امام خمینی، و عمل به موقع رهبری نبود، اکنون مدتها بود که مسخ در کشور ما انجام گرفته بود. یکی از شیوه‌های "کلاسیک" مسخ عبارتست از آوردن یک "جاننشین سازگار" بجای "رهبرنا-سازگار". این شگرد را "ایراسون"، که در آمریکا به عنوان "ایراسون" معروف است، می‌نامند. معنای آنست که: معاون همیشه آدم کاملاً مطمئن و سرسپرده باشد، تا اگر رئیس احیاناً از جاده خود گامی خارج شد، به نحوی سر به نیست شود، که بعدها دیگران حد خود را بدانند. پس از سر به نیست شدن رئیس، طبق قاعده، معاون جای او را می‌گیرد و خطر معکولی مرتفع می‌گردد. عده‌ای مرگ مرموز فرانکلین روزولت و قتل جان کندی و قتل رابرت کندی را به این شیوه مربوط می‌سازند. البته این افراد را نمی‌توان با هم یکی دانست. ولی این وجه مشترک بین آنها وجود دارد که هر کدام به نحوی محافل ماوراء ارتجاعی امپریالیسم آمریکا را با سیاست "غیر منطقی" خود تکرار کرده بودند و باید ادب می‌شدید.

این شیوه "سج بعدها" "مادرشد" و حداقل در مصر و عراق و افغانستان به کار رفت. در مصر، جمال عبدالناصر در جوش و شگوفائی حیات از بین می‌رود و سخنان بسیاری در میان است که او را با توطئه خاصی نابود ساختند و حتی از شرکت بزرگ خصوصی او (که گویا با مومنا در پیچ داشت) در این توطئه درجه برادری صحبت شده است. بهرحرح، همانطور که ترومن جاننشین روزولت و جاننشین جان کندی شد و رابرت کندی که شانس ریاست جمهور شدن داشت، قبل از انتخاب از بین برده شد، راه برای سیکون عموار گردید، به همان ترتیب محمدانور السادات، حاسوس قدیمی گشتاپو، جاننشین ناصر گردید و در این مورد اخیر می‌توان گفت: "به جای سج کافوری چراغ نفت می‌سوزد".

انورالسادات عضو سازمان فاشیستی مصر در ایام جنگ به عامل گشتاپو بدل گردید و پس از آن که فهرست حاسوسان گشتاپو (شاید به وسیله بورمان) در اختیار "سج" قرار گرفت، آنها ارباب

دردوران پس از جنگ دوم جهانی، امپریالیسم آمریکا تحمل رزمیهای استبدادی نظامی - سیاسی، از نوع رزمیهای مستدر صابهلوی در ایران، و انیسو در ویستام حوسو، سسکاروی در کره، جوسو، سوهارتو در اندونزی، بنونه در تلی، مارکوس در فیلیپین، مویو در کنگو و امثال آن را نیوده، عمده تاسس تسلط خود فرار داد. این رزمیها وظائف مختلف و محتلفی را انجام می‌داده‌اند و می‌دهند. ارسال وظیفه نظامی، به عنوان تاسس یا نگاه سوق الحسینی و "طعمه توب" و میدان فروش اسلحه، وظیفه اقتصادی، عنوان خریدار کالاها و سجن و کالاها و تحلی و فروخته، ارزان مواد اولیه کشاورزی و معدنی و مرکز قاچاق مواد مخدر، وظیفه فرهنگی (یا سترکوشم: ضد فرهنگی) مانند بخش شیوه، زدگی انحصاری سرمایه‌داری و اجراء تسلط مندل و امپراتور، ولی وسیع صدکومپستی و سبب کادو، ارزان علمی و فنی برای مراکز امپریالیستی، و زینت، سیاسی- نظامی، ماسد شرکت در بیسیهای تحاور کارانه (مانند سنو، بانو، سناو، آمتان، آروس و غیره)

ما ایرانیان شیوه کامل و باصلاح مثل علیای این رژیم ساخت بنتاگون و سا را، که در شهر حمایت مجتمع نظامی- صنعتی (بسی بزرگترین شرکت‌های موشده اسلحه آمریکا) و کارتل بین المللی نفت قرار داشت، در وجود سلطه، خوسین و برحمانه، خانواده فرومایه و خائن پهلوی در ایران به چشم دیده‌ام. و چه راه دراز و مصت بازی را باید طی کنیم، تا بتدریج کشور خود را از آسب آمده‌های ثوم ضد استقلال و ضد آزادی و ضد ترقی این رژیم رها سازیم و آن را به مقام برآزیده‌اش برسانیم.

ولی تحول سریع اوضاع جهان پس از جنگ دوم جهانی، سطح حش‌های انقلابی کارگری و حش رهائسحی ملی، بدانجا رسد که همرفای سیاسی جهان رو به تغییر نهاد و سوز در کشورهای "چهار سون" یک سلسله رزمیهای ضد امپریالیستی بید شد، مانند رژیم هوشی مین در ویستام، فیدل کاسترو در کوبا، ناصر در مصر، سوسس در الجزایر، فدایی در لیبی، حافظ اسد در سوریه، هابله ماریام در انیسو، نیو در کنگولا، ماشل در موزامبیک و غیره.

در مورد این رزمیهای ضد امپریالیست، که برخی از آنها مانند ویستام و کوبا و دیگر کشورها، بی‌چشم سوسالیسم علمی رانیز برافراشته‌اند، امپریالیسم آمریکا دو شگرد

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۱)

الفتح - بزرگترین سازمان عضو «سازمان آزادیبخش فلسطین»

جنبش مقاومت فلسطین نه تنها در میان نهضت‌های آزادیبخش ملی جهان دارای مقامی ویژه است، بلکه به علت همبستگی سنتی میان مردم ایران و خلق فلسطین و پیوندهای گسست ناپذیر انقلابی ایران و فلسطین، در قلوب رزمندگان ضد امپریالیستی و مشرقی ایران جایی خاصی دارد. ما با نوشتن زیر، یک رشته مقالات را درباره جنبش مقاومت فلسطین و به منظور شناساندن هدفها، مسائل و نیروهای متشکله این جنبش آغاز می‌کنیم.

"الفتح" (تاسیس: ۱۳۳۵)، که از نظر شماره اعضا بزرگترین سازمان عضو سازمان آزادیبخش فلسطین (تاسیس: ۱۳۴۳) به شمار می‌رود، چهارمین کنگره خود را در روزهای ۱۲-۱۱ خرداد ۵۹ در نزدیکی دمشق برگزار کرد. این کنگره به اتفاق آراء با سرعوات را به عنوان "فرمانده عالی نیروهای مسلح انقلاب فلسطین" و "العاصه" (= گردن باد: شاخه نظامی "الفتح") برگزید. ابواباد و فاروق قدومی به ترتیب به معاونت فرمانده عالی و دبیری کمیته مرکزی "الفتح" انتخاب شدند. کنگره چهارم کمیته مرکزی به پیشین را تأیید کرد و پنج عضو جدید به آن افزود. در برنامه سیاسی، که در پایان کنگره "الفتح" تصویب رسید، این سازمان بار دیگر عزم خود را مبنی بر تحکیم وحدت ملی فلسطینیها، اعلام داشت و تأکید کرد که باید، مزون بر سرد مسلحانه، از همه گونه شیوه‌های مبارزه برای

آزادی ملی استفاده جست. " برنامه سیاسی الفتح" پشتیبانی سازمان نامبرده را از تصمیم "کنگره ملی فلسطین" (۱۳۴۳) اعلام کرد که، تارهایی کامل فلسطین، در نقاط گوناگون این سرزمین نهادهای قدرت ملی ایجاد گردد. کنگره چهارم "الفتح" امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی انقلاب فلسطین و خلق‌های مشرب نامید و فلسطینی‌ها را فرا خواند، تا پیوند خویش را با کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، جنبش‌های آزادیبخش ملی، انقلاب ایران و همه نیروهای مشرقی و دمکراتیک جهان تحکیم بخشند. در زیر بخشی از "برنامه سیاسی" کنگره چهارم "الفتح" را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

درباره فلسطین

- ۱- لازم است که در راه تحکیم روز افزون وحدت ملی فلسطین در همه پهنه‌ها، چه در درون و چه در خارج از مناطق اشغالی، بر رهبری جنبش ما و در چارچوب "سازمان آزادیبخش فلسطین" کوشید و از این طریق گسترش همه اشکال بیکار مردم فلسطین را تضمین کرد.
- ۲- مهم آن است که با همه نیرو همکاری جنبش خود را با "سازمان آزادیبخش فلسطین" توسعه دهیم و بدینسان کارآیی، برنامه و سازماندهی آنرا به گونه‌ای بهبود بخشیم، که استقلال همه نهادهای آنرا تاسین کند.
- ۳- باید نبرد مسلحانه را در سراسر سرزمین اشغالی و همه مرزهای روماروی با دشمن صهیونیستی گسترش بخشید.
- ۴- باید توجه بیشتری به شکل خلق خود در همه کشورها مبدول داریم، به گسترش فعالیت

سازمان‌های توده‌ای و سندیکاهای آنها کمک کنیم، به پاسداری از منافع آنها همت ورزیم و با سرکوب و استتار آنها به مقابله بپردازیم. ۵- لازم است که از مقاومت خلق خود در مناطق اشغالی پشتیبانی همه جانبه کنیم و از هیچ گونه کمک مادی به آنها دریغ نوزیم. از این راه خواهیم توانست ابتدائی فلسطینی‌ها را تادوم بخشیم، مبارزه آنها را گسترش دهیم و توسعه نهادهای ملی آنها را تضمین کنیم. بویژه باید مناسبات خود را با توده‌های فلسطینی، که در سال ۱۹۴۸ و (۱۳۳۲) سرزمینشان به تصرف درآمد، تحکیم بخشیم و آنها را مجهز سازیم تا در برابر تلاش برای شکستن وحدت و سرکوب هویت عربی‌شان مقاومت ورزند.

۶- وظیفه ما است که عزم خویش را برای ایجاد فلسطینی مستقل تصریح کنیم و همه گردانهای انقلاب فلسطین را متقاعد سازیم تا در راه پیشبرد این هدف پایداری نشان دهند.

۷- در پرتو مقام رهبری کننده جنبش ما در "سازمان آزادیبخش فلسطین" و سه اقتضای برنامه سیاسی و واقعیت‌های اساسی "سازمان آزادیبخش فلسطین" در صحنه سیاست بین المللی و کشورهای عرب، کنگره چهارم قطعنامه‌های (آخرین) "کنگره ملی فلسطین" را به مثابه مکمل برنامه سیاسی جنبش می‌شمرد. زیرا که این قطعنامه‌ها با اصول، هدفها و برنامه سیاسی جنبش ما مغایرتی ندارد.

۸- بر ماست که گفتن زموه‌بان زنان فلسطین را در همه سطوح سازمان تقویت کنیم و بکوشیم تا کارآیی بیکار آنها را هر چه بیشتر افزایش دهیم.

بقیه در صفحه ۶

عوض کردند و به جای گشتاپو به سازمان سپا پیوستند. محمدانورالسادات هم یکی از فوج‌ترین حاسوسان گشتاپو، که ما هم تب انسانی او را در ایران داریم و کم هم نداریم، مبدل گردید. برای اجراء غیبت‌های از قبیل "کمپ دیوبند" چنین حانوری لازم بود.

ایراسون "سج" از رامعاشین سازی در مورد عراق هم به کار گرفته شد و در اینجا با کنار دادن حسن البکر بنیابده و شاید مزاحم و اعدام بی-رحمانه مخالفان صدام در رهبری حرح، بهت، این عنصر تروریست (که نخستین نقشه نامرحام قتل عبدالکریم قاسم به دست او اجرا شده بود) را مامدار عراق گردید.

در مقاله "دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق نورالدین کبائوری، تحت عنوان "تعاوض نظامی صدام حاشن... مورخ ۲۳ مهر ۱۳۵۹" مکانسیم این مسخ با دقت فاش شده است و ما مطالعه دقیق این مقاله را به خوانندگان توصیه می‌کنیم و آن مطالب را تکرار نمی‌کنیم.

سادات و صدام هر دو به نحولات ضد امپریالیستی کشور خودشان خیانت کردند. نزدیکی نیست که این مسخ در دو کشور مختلف و در دو شرایط مختلف انجام گرفته و با هم تفاوت‌های حدی دارد و هر دو این هم نمی‌تواند باشد. مثلا نمی‌توان حسن البکر را با جمال عبدالناصر، رحل بزرگ مین دوست مصر قابل قیاس دانست. ولی اصل نکته در آنست که امپریالیسم، با بالا کشیدن مهره‌های کدا کاملاً گوش به فرمان اوست (مانند سادات) با آمادگی کامل برای انجام سارشی با او دارد (مانند صدام) بجای مهره‌ای که مرداندر برابر او ایستاده است (مانند ناصر) با خاصیتی برای او ندارد (مانند حسن البکر) روند مسخ را عمل می‌کنند و استکار عمل را در کشور مورد نظر کاملاً با تا حد زیادی به دست می‌گیرند.

این شیوه به شکل دیگری در افغانستان بکار رفت، بدین معنی که امپریالیسم آمریکا موفق شد عامل خود حقیقت‌اله امین را در رهبری انقلابی افغانستان وارد کند و بدست او قصد داشت این مسخ را انجام دهد. حفظ‌اله امین، با اجرای نقشه امپریالیسم آمریکا موفق شد که صدمات و لطمات بزرگی به انقلاب افغانستان وارد آورد. ولی خوشبختانه سروه‌های انقلابی در افغانستان موفق شدند ماهیت حشات کار او را بنسازند و به خلق افغانستان بشناسانند و توطئه ضد انقلابی او و ارایش را با شکست فظی مواجه سازند.

این روندانسته در نقاط دیگری، که در آن تحول ضد امپریالیستی روی داده (مثلاً مانند سومالی و سودان) به اشکال دیگری عمل شده است. امپریالیسم موفق شد کسای مانند زیاد ماروجعفری-ضمیری را، که خودشان در تحول ضد امپریالیستی کشورشان نقش داشته‌اند، از راه منحرف کند و سطره خود را به شکل کامل با نام بر آنها برقرار سازد.

این شگرد اخیر از طریق سوس استفاده‌های که امپریالیسم از خاصیت دوگانگی این سیاستمداران برخاسته از میان فترهای متوسط جامعه می‌کند، تحقق می‌یابد، یعنی از روحیات صدکومپستی و تعصبات ملی گرا به کاد و دروغس با انحرافی آنها استفاده می‌کند، آنها را مرموب می‌سازد و سپس دست به تطمیع می‌زند و از کمک دلاری خود سخن می‌گوید و سرانجام طعمه را در دام می‌اندازد، به هر حدی که نتواند. در همه این مثال‌ها وضع میا یکی نیست، چنان که بین زیادبیاره و جعفری سرتفاوت‌هایی است. ولی مقصد وحدت شگرد حاسوسانه امپریالیستی است، که در هر مورد به کار رفته است. برای ما که در جهان یکی از بزرگترین انقلابات "جهان سوم" هستیم، درک شیوه‌های امپریالیستی برای شکست مستقیم یا غیر مستقیم انقلاب، و از آن جمله درک پدیده "ساداتیسیم"، که از جمله در سوره‌های تکنیکی مانند سادات و صدام و حفظ‌اله امین تبلور یافته است، سودمند است.

حالا امپریالیسم در کشور ما کلبه این شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم راه مرمع اجرا گذاشته است. و اگر همه این شیوه‌ها به نتیجه رسد، به قول صدام اسلام شیخ صادق خلغالی، همین باقی می‌ماند که حودش "لخت خود بپاید میدان" آ دهبا نا وحشکی در عثمان ولشکر ۲۱ هزار نفری "واکش سریع" و انواع دیگر تدارکات غلنی و سری از این مرحله، نهائی تلاش آمریکا برای خرید کردن انقلاب ایران حکایت می‌کند. نکته‌ای که حرح ما مرتباً ترا تذکر داده و نباید از آن حتی لمحهای غافل بود.

حزب ماهیست تکرار کرده است که تاسین اتحاد وسیع کلبه نیروهای صدیق ضد امپریالیستی در داخل، بدون تعصبات انحصارگرا با همونی استفاده حسورانه از همه، متحدان بین المللی، شرط حیاتی مقابله با امپریالیسم حونحوار و عدار است. این روش کوچکترین تناقضی با سیاست استقلال، عدم تصد و "نه شرقی و نه غربی" به معنوم درست آن ندارد. به شرط آن که شعار "نه شرقی و نه غربی" چنانکه غالباً متاسفانه دیده می‌شود (و این مسلماً کار عمال ماسک دار امپریالیسم و رباکاری‌های آنهاست) در عمل به شمار "نه شرقی" بدل نشود و خط برزینسکی برای "گوه زدن" سوس انقلاب ایران و متحدان طبیعی این انقلاب، به کامسای‌های جدی دست نیابد. ما در این زمینه بدون گسترش چشمداشت با تنگ نظری وظائف خود را انجام خواهیم داد.

کارگران کارگاه موزائیک‌سازی تهران شرق:

این جنگ کار آمریکاست

سنتش را می‌پرسیم. می‌گوید ۱۶ سال دارد و ۳ ماه است در اینجا کار می‌کند و روزانه ۸۰۰ ریال حقوق می‌گیرد. ساعت کار در این کارگاه از ساعت ۷ صبح شروع می‌شود و تا ساعت ۱۷ ادامه می‌یابد. در این فاصله نیم ساعت برای صرف غذا در نظر گرفته شده است. کارگران مجبورند روزهای تعطیل رسمی را نیز کار کنند و جمعه نیز تا ساعت ۱۳ کار می‌کنند تا در ماه حقوق ۲۰ روز را دریافت کنند. ناظمی آقا، کارگری که روی دستگاه برسی کار می‌کند، وارد گفتگو می‌شود. ۵۰ ساله سطر می‌آید و ولسی خودش می‌گوید ۴۰ سال دارد. در این کار ۱۵ سال سابقه دارد و در چند موزائیک سازی کار کرده است. با آخر وی رابه

موزائیک‌سازی تهران شرق که کارگاه سستا کوچکی است. در شرق تهران، انتهای خیابان ایران شرق، در انتهای خیابان تهران نو (جاده دماوند) مقلل اسرارچیت مازندران قرار دارد. در این کارگاه در حال حاضر تعداد ۷ کارگر کار می‌کنند و کتاهی نیز برای کارگران این کارگاه سه به هم می‌رسد. عده‌ای از کارگران معانی لازم برای ساختن موزائیک (ش، سنگریزه، سیمان) را آماده می‌کنند. یک کارگر هم این مواد را با نسبت‌های معین در قالب قرار می‌دهد و زبردستگاه برسی می‌گذارد. کارگر هم موزائیک‌ها را پس از خشک شدن در یک دستگاه شستشو می‌گذارد. در این مرحله سطح موزائیک صاف می‌یابد و آماده فروش می‌شود. پس کارگران یک سوجان کار کرده‌اند.

کارگران کارگاه سستا به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متعهد. علی آقادر باره جنگ ایران و رژیم صدام می‌گوید: این جنگ کار آمریکاست. همه باید با رژیم صدام بجنگند. ما کارگران هم باید با کار خود در سرکار و در جبهه‌ها از انقلاب و کشور خود دفاع کنیم. کارگری که ۱۱ سال سابقه کار دارد می‌گوید: رژیم صدام را باید شکست داد و او را از خاک ایران بیرون کرد. من همیشه آماده رفتم به جبهه هفتم. همه کارگران ما باید که در آموزش نظامی سطح شرکت کنند، ولسی شرایط کار و زمان کار آن‌ها این اجازه را سه کارگران می‌دهد. کارگران می‌خواهند که در سرکار به آن‌ها آموزش نظامی داده شود. خواست‌های کارگران را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد: ۱- اجرای قانون ۴ ساعت کار در هفته و بطور کلی اجرای قانون کار. ۲- بیمه همه کارگران. ۳- تامین بهداشت داخلی کارگاه.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

گروهی از کارخانه ریسندگی و بافندگی «مقدم» به جبهه جنگ رفته‌اند. کارخانه «مقدم» در حال حاضر حدود ۱۳۰ کارگر دارد. کده‌الی پانزده در صد آن زن هستند. مالکیت کارخانه هم چنان دست «عبدالله مقدم» است، فقط یک مهندس از طرف دولت انتخاب شده است تا ناظر بر تولیدات کارخانه باشد. اغلب کارگران ساکن در «نظرآباد» و دهکده‌های اطراف آن و پاروشانی هستند که به علت کمبود درآمد و عدم تامین زندگی از راه کشاورزی، زراعت را رها کرده و در کارخانه «مقدم» به استخدام درآمده‌اند. در ایام انقلاب، کارگران این کارخانه، با اعتصابات بی‌دری خود، همراه سایر صنعتگران، با رژیم ترسیده پهلوی مبارزه می‌کردند و بعد از انقلاب سز برای تعمیق و تثبیت انقلاب تلاش می‌کنند. بعد از انقلاب تولید کارخانه تا حدودی پائین آمد، چون ماده اولیه آن از کشورهای امپریالیستی وارد می‌شد. اکنون نیز کارخانه از نظر مواد اولیه، ماشین آلات و لوازم بدکی وابسته به خارج است. در اثر تحریم اقتصادی غرب و یاشین آمدن سطح تولید کارخانه، مسئولین برای تهیه مواد اولیه و بویژه مواد شیمیایی (زرگری)، با چند کشور سوسیالیستی تماس گرفته‌اند و قسمتی از اقلام شیمیایی مورد نیاز کارخانه از آلمان، دنگراتیک وارد می‌شود. متأسفانه در این کارخانه آموزش نظامی برای کارگران وجود ندارد، چون صاحب

آورد. مراسم تشییع جنازه شهید هراج همبرچیان به نظر هراتی علیه این جنایت نسیع تبدیل شد و هزاران نفر شرکت کننده در این مراسم، عهد دوباره بستند، تا در راه اهداف مردمی شهید مکتوبند. به طوری که روزنامه «جمهوری اسلامی»، در شماره ۱۴ مهر ۱۳۵۹ خود، به درستی خاطرنشان ساخته است، این جنایت، کار ضدانقلاب بوده است. روزنامه «نامبرده» می‌افزاید: «قابل توجه است که ستون پنجم امپریالیسم، که خود را از همه جوانب شکست خورده می‌یابد، دست به این تئوری ناخواسته زده است». در برابر حتم نهادهای ارسلی، عد انقلاب بر دسه تبلیغات آشکار و پنهان رده، تا افکار عمومی را از سوی حاسان منحرف کند. عناصر ضدانقلابی این حر را در بین مردم پخت کردند که گویا چون هراج همبرچیان زردی «چپ» بوده است، توسط سیه یا ساداران کشته شده است. سلما، عناصری که این حار را حجل می‌کنند، هندی جز این ندارند که آرامه را نسبت به سیه یا ساداران، این نهاد مهم انقلاب بدیسی سازند. کارشایه پراکنی این عناصر ضدانقلابی بجای رسید که رادیوی ایران آزاد بخنبار خاش سردر تفسیری بیبرامون قتل هراج همبرچیان، اورا عصری «چپ» نامید، که توسط سیه یا ساداران سند قتل رسیده است. در شرایط حساس کنونی که میسب ما درگیر جنگی عادلانه علیه مردوران صدام حسین است و همکاری با سیه یا ساداران و کمک همه جاسه به آنان جزو وظایف مقدم هراتی میسب دولت است، پخش اس گونه تابعات سلما کارمدان انقلاب وستون پشم امپریالیسم می‌نواند باشد. ما از کلبه سیه یا ساداران انقلابی و بویژه سیه یا ساداران می‌طلبیم که مرتکب این جناسات نسیع و عناصر تابعه را با سیه یا ساداران کنند و آنرا را تحویل دادخا هراتی انقلاب دهند، تا که کبر حسابات خود برسد.

ترو و هراج همبرچیان در اصفهان، کار ضد انقلاب است

نزدیک به ۴۰ روز پیش، عناصر ضدانقلابی به جنایت فجیعی دست زدند. هراج همبرچیان فرد مبارز و مردمی، در مقابل خانه خود در حلقای اصفهان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان سپرد. خبر این جنایت موحی از خشم و انزجار در بین ارانسه، ایران و بخصوص ارانسه، حلقای اصفهان موجود است. که به نام انقلاب و اسلام دنبال می‌شد. آن موقع به بعد راه نشی و معالجه آمریکا بسته شد. اما مبارزه مستمر با این قدرت استکباری خیلی کمتر از آنچه انتظار می‌رفت، بیشتر کرد. این حال آمریکا که از این آشتی پذیری اما و انقلاب بخشم آمده بود، برداشته توطئه‌ها و خصومت خود علیه امام و حسط انقلاب افزود، تا آنجا که پس از تنها حسم نظامی طین و طرح و اقدام به کودتاه تجاور نظامی عراق را مورد حمایت قرار داد تا انقلاب ورهسری ما را از جهت زیر فشار فرار دهد. محاسره اقتصادی فشار نظامی و تسلیفات وسیع سیاسی و انواع دیگر از تحریکات دیگر همه برای آنستکه امام و طرفداران خط انقلاب را از ادامه راه باز داشته مجبوره تبعیت از خط سازکار می‌نماید اکنون انقلاب اسلامی ایران ورهسری سازش نا پذیر آن ارهمه سوزیرفشار نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرتهای نظامی داخلی و خارجی است. مبارزه با تهاجم آمریکا مستلزم مبارزه جدی با عوامل و بیایگا معا و نیروهای داخلی وابسته بدان است. اگر در سیاست داخلی یعنی در مبارزه با روابط استعماری، استعماری و استبدادی سنتی خارج دهیم، اگر در سرکوب متجاوزان سه حقوق ملت از فثودالها و ملاکیس، از سرمایه داران وابسته و محتکبران و دزدان بیت المال کوتاهی کنیم، در پیکار مقدس علیه شیطان بزرگ موغنی نصیسمان نخواهد شد. (امت - ۱۴ آبان ۵۹)

در مطبوعات کشور برای مبارزه با شیطان بزرگ باید پایگاههای داخلی آنرا ازین بود

مبارزه سرنوشت ساز با استکبار جهانی و قدرتهای ارتجاعی وابسته بدان است. انقلاب اسلامی به یک سیاست خارجی فعال و انقلابی که بر موازین مکتوب مستنی باشد، احتیاج دارد. انقلاب اسلامی ایران برای حفظ جوهر مکتوبی خود ضرورتاً باید تدریجاً پذیرا شدن به جنگ و در مقابل امپریالیسم هرگز راه آشتی و مصالحه پیش نگیرد و فریب و سوسه های فریبکارانه اولیا، شیطان نظیر حکومت مترجع پاکستان را نخورد. آنچه این نوع حکومت‌ها ویا نیروهای سازشکار داخلی پیشنهاد و توصیه می‌کنند، در حقیقت راه ورسم شیطانسی است، زیرا فقط با راه ورسم شیطانسی می‌شود با استعمار و قدرتهای امپریالیستی همزیستی و دوستی داشت، در صورتی که انقلاب اسلامی ما وظیفه دارد که راه و رسم شیطان را پیش نگیرد «لاتتبعوا خطوات الشیطان». به هریشنها دورا عملی که متضمن خاتمه دادن به دشمنی انقلاب بسا دشمن شیطان صفت یعنی آمریکا باشد، راه عملی شیطان و در نتیجه ضدتوحیدی است. سال گذشته ما اشغال لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان مبارز و مسلمانی ما به پیروی از خواست ملت ورهنمودهای امام ضربه‌های موثری بر سیاست سازشکارانه با شیطان وارد کردند و اصل تضاد دشمنی بین انقلاب و امپریالیسم را مورد تأیید قرار دادند اشغال جاسوخانه آمریکا اقدامی انقلابی بود در رسیدن و گردن راه ورسم شیطانسی در برابر آمریکا و اتحاد راه و رسم مکتوبی در مبارزه با آن اشغال جاسوخانه، پرده از توطئه‌ها و اقدامات سازشکارانه با شیطان را کسار زد و خط پلان برسیستی غیرمکتوبی کشید

در مطبوعات کشور

زحمتکشان روستائی برای دفاع از میهن خود و انقلاب شکوهمند ایران آماده هر گونه مشارکت و فداکاری هستند

حاور عظامی رژیم صدام حسن به کور انقلابی ما ایران، که در فرمان امیرالسلیم آمریکا و برای محکم مواضع سطلی امیرالسلیم و حفظ سلطه این سلطان برک در منطقه انجام گرفت. با مقاومت بی‌زور و مبارزه دلاورانه ایرانیان دلیر آگاه و انقلابی روبرو شد. دلاوری‌های مردم ریحمن خورشید و از حیدر کارگران شهرمان آبادان و جویس سر در این جنگ نفسی سوره است از اتحاد عظمی که در کوره سردهای دسوار آمده می‌شود و نشان‌های است از اعتقاد راسخ روستاگان انقلابی ما. صریح‌تر از سخن و سب و طبع، به انقلاب برتکوه ما.

اعلام آمادگی ما به مردم برای دفاع از کشور، از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران. با تصور انقلابی فزون از وضعی، که برای همیشه در تاریخ ما به یادگار خواهد ماند، قریب است. این خود سودار عشق و ایمنی ریحمنکشان ما و در راس آنها کارگران و دهقانان ریحمنکشان و همه مردم انقلابی به انقلاب شکوهمند است که خود بار سنگین آنرا با بی‌گیری افتخارآفرینی تا بی‌زوری بر رژیم ساد ملعون به گردهمای سرور و آخسیر خودکننده‌ها و بر آن دارند که همچنان آنرا افتخارآفرین به سس برسد.

سر کارگران انقلابی، روستائیان مسین دوست و جوانان بی‌زور در خط مقدم جبهه و در پشت جبهه، گویای روحیه عالی مبارزهجویی و ایمنی عظیم انقلابی به بی‌زوری سر رژیم افشالگر صدام حسن است. علاوه بر شرکت جوانان بی‌زور و مسین دوست روستائی در جبهه‌های نبرد جنوب و غرب، دسته دسته دهقانان ایران، در پشت جبهه، در برابر کشور آماده دفاع از انقلاب خود می‌نویسد. انقلابی که تاکنون ضربات محکمی بر مواضع بزرگ مانکی وارد ساخته است و در تداوم خود، بی‌تردید ریشه‌های فاسد آنرا بر خواهد زد.

شرکت دهقانان در سرد سب جبهه، در تولید هر چه بیشتر محصولات زراعی و دامی، در کاشت همه رهنمای قابل کسب، در جمع آوری و ارسال کنگهای مدانی مالی و حسی و بی‌زور اعلام آمادگی برای شرکت در این جنگ عادلانه میهنی نخلی می‌کند. این شرکت بی‌زور نشان می‌دهد که انقلاب ما عمدا در قلب و روح ریحمنکشان روستائی جا دارد و هیچ نیرویی قادر نخواهد بود در صورت همبازی و ایمنی این انقلاب دورنشان مستعین را دچار شکست سازد.

اعلام آمادگی روستائیان نشان می‌دهد که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما، امیرالسلیم و وانگهان به آن و محمله بزرگ مالکان، با بی‌زوری عظیم از دوستداران و مدافعان خان برکت انقلاب و از محمله ملوسها دهقان ریحمنکشان روبرو هستند.

دهقانان ایران در طول سب ماهی که از انقلاب می‌گذرد، در سازاری از روستاهای کشور، با اجرای فرمان امام خمینی، مسی برکت و تولید بیشتر، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب را عملا به روستای خود برده‌اند و در حل مسائل کشوری مستمرا شرکت و سهم برده‌اند. دهقانان ایران در حرمیان مبارزه بیکر خود برای حل مسئله ارضی سود دهقانان نبی‌دست، برای از بین بردن سب طاعت و فساد بزرگ مالکی و برای نامر آذوقه کشور و محصول کافی، بی‌تردید که سل به این اهداف و در درجه اول آزادی از یوغ سب رستداران بزرگ، به معنی حفاظت و دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران است. از این جهت حاور رژیم معنی‌عزای محاکم ایران که در خدمت صانع امیرالسلیم حیثی و مخاطر براندازی انقلاب و نابودی جمهوری ما است. از نظر دهقانان ریحمنکشان محسودی سب و سرعوانب آن و از جمله انحال مزارع و کشتزارهایی از سر زمین‌های جنوب و غرب میهن ما نمی‌توان چانه زد.

نخاور هوانمای‌های فراری و بناران ماطن روستائی و دهات و کشتزارها خودستدگوبای ماهیت این جنگ تحمیلی است. دهقانان برای مقابله با این نخواستار اعلام آمادگی می‌کنند و عملا بی‌ترکست مسقیم در جنگ، با رساندن آذوقه، با تولید بیشتر و کشت وسیعتر، با دادن کمک مالی و حسی این آمادگی را به نوبت می‌رسانند.

این آمادگی، قطعا، نقش مهمی در تقویت جبهه مقاومت دارد. دهقانان این شرکت و آمادگی را وطیعه انقلابی و میهنی و انسانی خود می‌دانند و هیچگونه چنددانشی در برابر آن ندارند. منتی این وضع، انقلابی ستوان آگاه و منهد است، که برای تقویت هر چه بیشتر جبهه مقاومت و تحکیم هر چه بیشتر نیروهای انقلابی، به ضرورت گردآوری همانان صوف دهقانان بدور انقلاب و درهم کوفتن پایگاههای صدانقلاب توجه کنند و با اتخاذ تدابیر درست، سهری در نظر را برای این شرکت و آمادگی فراهم سازند.

لازم است به حواسهای حق دهقانان رسیدگی کرد. باید اجرای قانون را آغاز و بزرگ مالکی، پایگاه داخلی امیرالسلیم را برای همیشه ویران ساخت. باید گدانت که توطئه خطرناک تعویق و باحیرت واکداری رهنمای و همدستی صدانقلابی بزرگ مالکان و موزران و مزدورانی که به آنها خدمت می‌کنند، به ننگه برسد. هر ضربه‌ای که به این پایگاه ساد و قارت و تروبروارد آید، بهال آزادی دهقانان را نارورتر می‌کند و دفاع بی‌چون چرای زحمتکشان روستائی از انقلاب و محکم راسخ آن‌ها را به درهم شکستن نخواستار رژیم صدام حسن و توطئه‌گران آمریکائی صدحیدان می‌سازد. این کار وحدت سب کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان را تحکیم میکند.

خلوی توطئه بزرگ مالکان و عمال آنها و مداحان روحانی‌نمای آنها را باید هر چه زودتر و واضعتر گرفت. نباید گدانت که آمد ملوسها دهقان به هشت‌های هفت‌غری و به ابرت انقلاب مدبل به ساس نمود. باید موجه عیوان و حرم این توطئه بود و هر چه زودتر سر مار را کوفت. در سرنیط کوبی که آمریکا در حال توطئه دائمی، و آلت دست او صدام، در حال تجاوز مستقیم نظامی است، هرگونه تعلل و تاخیر در اجرای قانون در حکم ایفای استعمار سیرحمانه بزرگ مالکی و در حکم کمک یک پایگاه امیرالسلیمی و صدانقلابی است. این ضرورت نبرد ناطع علیه امیرالسلیم آمریکا و پایگاههای آن و مقابله همه‌جانه با تجاوز صدام حسین و دستار آن را ساد فراموش کرد. نباید از یاد برد که چه کسانی در حوزستان و غرب بیاری دشمن شناختند و برای ورود مهاجمین حسن گرفتند. این فتودالهای منطقه بودند که خاش از آب درآمدند و چهره نوم صداعلانی خود را آشکار کردند و بیش از سبت س از آنها نیز، به حکم عادلانه، حجت‌الاسلام خلخال، به سزای اعمال سنگین خود رسیدند.

اما روستائیان ریحمنکشان ایران باید دیگر در همه‌جا، در جبهه و پشت جبهه، در سنگر نبرد و در کشتزار نهایت حساسی و مقاومت از خود نشان می‌دهند و همه‌جا عملا و رسما اعلام می‌کنند که جاسدار انقلابی‌اند. زیرا انقلاب از آن همه زحمتکشان ایران و کارگران و دهقانان است، و آنها پاسدار انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه تهاجم و تجاوز هستند.

مسائل تولیدی و شورائی دهقانان شور حیات



دولت توسلی - یکی از اهالی شور حیات
آوقلا آماده برای جهاد در راه تولید هر چه
بیشتر

در فاصله ۱۸ کیلومتری از راه اصلی گرگان - آق قلا (پهلوی دزسان) حاده - ای خاکی بطول چهار کیلومتره روستای شور حیات می‌رود. در این روستا صد خانوار ساکن هستند. محصول عمده آن گندم است. فالی‌بانی در این روستا نیز، مثل اکثر روستاهای ترکمن‌نشین، یکی از مشاغل روستائیان است. بار صد خانوار ساکن در روستای شور حیات است خانوار بی زمین و کم‌زمین هستند. برخی حداکثر حدود هکتار زمینی دارند.

بزرگ مالک روستای شور حیات حدود ۴۰۰ هکتار زمین داشت، که پس از انقلاب از او سب مالکیت گردید. در حال حاضر زمین تکلیف قطعی نشده و وضع مالکیت ارضی کاملاً مشخص نیست. زمین‌ها پس از انقلاب تاکنون، توسط روستائیان از طریق شورایی کشت شده‌اند. از آنجایی که مساحت زمین‌ها به چهار صد هکتار می‌رسد و در روستا تراکتوری جهت شیار ارضی وجود ندارد، کشت اسال آن‌ها با اشکالاتی مواجه شد.

روستائیان برای بهره‌آب آتامیدنی محبورند تا یک کیلومتره روستا بروند و از جابه عمیقی که آب آن صرفاً مورد کشتاوری می‌گردد، آب آتامیدنی خود را تهیه کنند. از آنجا که این جابه بدون حفاظ و غیر بهداشتی است، دهقانان اواخر تابستان با خرتعالی از اعضای جهاد سازندگی استقبال کردند، که برای لوله‌کشی آب آتامیدنی به این روستا آمدند.

در روستا هنوز حماسی احدث نگریده است. این روستا برق دارد. لیکن روستا زادگان از نظر مدرسه و تحصیل در مصیقه‌اند. در شور حیات و تمام روستاهای اطراف، یک سب مدرسه راهنمایی وجود ندارد. روستا زادگان برای طی سبج کلاس ابتدایی باید هزار زحمت از این روستا به آن روستا بروند.

در شور حیات و روستاهای اطراف آن واحد سار بهداشتی، که نتواند حداقل اقدامات نخستین مداوا را انجام دهد، وجود ندارد. در این باره هم یکی از روستائیان می‌گفت: "خدا نکند یک نفر از ما مریش شود، زیرا در این صورت باید بیمار را به شهر برسانیم."

جاده ارتباطی شور حیات با راه آصفانه آق قلا گرگان نیز احتیاج به مرمت دارد. یکی از اهالی بنام دولت توسلی می‌گفت:

"اسال زمستان که می‌خواستیم با خودم یک کیسه آرد را از شهر به خانه بیاورم، در مرحله تقاطع با شهر، یک کیسه آرد در آب افتادم و نصف آردی که با خودم حمل می‌کردم، در آب ریخت. طغیان شیب‌های از رود "قوسو" نیز باعث اختلال در کار کشتاوری می‌گردد. بستر این رودخانه، به علت عدم لایروبی، نسبت به سطح ارضی زراعی بالا آمده است و هنگام طغیان بختی وسیعی از ارضی زراعی را می‌پوشاند. در سال قبل این مسئله موجب خسارت به روستائیان گردید، لیکن اسال جهاد سازندگی به لایروبی بخش سفلی این رودخانه پرداخت."

دهقانان روستای بیتم شاندرمن، سپاه پاسداران را مدافع حقوق از دست رفته خود می‌دانند

بعملت ظلم و ستمی که سالیان دراز از جانب زمینداران بزرگ خونخوار بر دهقانان روستای بیتم شاندرمن رفته است، در حدود ۳۷ نفر از دهقانان این روستا ۷ ماه است دست به مبارزه علیه مالکان بزرگ این منطقه زد ما ند. این دهقانان خواستار اجرای طرح استاد رضا اصفهانی جهت واگذاری زمین‌های زمینداران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم زمین هستند. گذشته از اینها، دهقانان کم زمین ناچارند هنگام برداشت محصول، دسترخ خود را با مالکان تقسیم کنند.

دهقانان این روستا از سپاه پاسداران مومعه سرا، که در مبارزه علیه مالکان بزرگ کمک موثری به آنها کرده است بسیار راضی هستند. آنها خواستار کمک دیگر ارگان‌ها و مقامات به سپاه پاسداران هستند تا بتوانند زودتر به حقوق خود برسند. یکی از اعضای هیئت هفت‌غری این

در حدود دو ماه قبل در شور حیات شورایی تشکیل گردید، که کاملاً به وضع روستائیان رسیدگی می‌کند.

پس از آنکه سلطه امیرالسلیم‌های غارتگر بین المللی و در راس آن آمریکا، با انقلاب شکوهمندمان بر جبهه شد، این دزدان جهانی کوشیدند تا به حیل‌های گوناگون انقلاب راه انحراف و شکست بکشانند و مجدداً سلطه خود را برقرار کنند. و در این راه تکیه خود را بر پایگاه‌های داخلی و بیرون کشور در منطقه‌ای خود گذاشتند. گوشه‌ای از این تلاش‌ها را ما هم اکنون در سبج و تعاور نظامی صدام حاش به کشورمان می‌بینیم. توطئه‌های اربابان و عمال آن‌ها برای جلوگیری از واگذاری زمین و ممانعت از کشت وسیع توسط دهقانان گوشه دیگری از این تلاش‌هاست. باید هر چه زودتر این پایگاه‌ها را در زور خانه خود منهدم کنیم تا بردش خارجی هم قطعی تر بی‌زور شود. تا جبر در این کار به ریان انقلاب است. باید هشت‌های هفت‌غری هر چه زودتر کار خود را آغاز کنند و با اجرای قانون اصلاحات ارضی سود دهقانان کم زمین و بی زمین قرب سببایی را بر بزرگ مالکی، این پایگاه امیرالسلیم وارد آورند.

از هم اکنون به منظور محدود کردن مشکلات پس از جنگ و تهیه آرزای عمومی و بی‌نیاز کردن کشور از واردات حواری و بار لازم است با اجرای قانون اصلاحات ارضی، وسایل کار و نیز امکانات زندگی شایسته را برای روستائیان معروم به تدریج مهیا کرد.

در شور حیات تکلیف ۴۰۰ هکتار زمین را باید قاطعانه به سود دهقانان زحمتکش تمسین کرد و شورای ده را فعال کرد و وسایل لازم، از جمله بذر، کود و دام را در اختیار آن قرارداد. برای جهادی که به فرمان امام خمینی برای رشد کشاورزی و تولید بیشتر باشد انجام گیرد، باید همه وسایل و شرایط را آماده کرد.

روستا، که از حمایت سبادهای انقلابی برخوردار است، عقیده داشت که برخی از مقامات دولتی خلوی بای سپاه‌سنگ می‌اندازد.

میهن ما اکنون در کبر یک جنگ تحمیلی از جاسب رژیم مزدور صدام حسین است. صداعلات می‌کوشد با بهره‌گیری از با سببها و خواستهای که بجای مانده از طاغوت است، به نفع خود بهره‌گیری کند. مسلم است که دهقانان زحمتکش برای دفاع از میهن انقلابی خود لفظه‌ای درنگ نخواهند کرد و مشت محکمی بر دهان صدانقلاب خواهد کوفت. آنها، چه در جبهه جنگ و چه در کشتزارهای تولید محصول، به وظایف انقلابی خویش آگاهند.

دولت انقلاب قادر است با تکمیل سریع هیئت‌های ۷ نفری و واگذاری زمین و اجرای طرح اصلاحات ارضی به نفع دهقانان ریحمنکشان، نغشه‌های سطلایی صدانقلاب را غنیمت گذارد و بر شور مبارزه دهقانان بیافزاید. همچنین همکاری سبادهای انقلابی و ارگانهای دولتی سبک‌بگیر، در شرایط حاضر، برای دفاع از میهن انقلابی و سرکوب توطئه‌های امیرالسلیم آمریکا ضرورت حیاتی دارد.

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع
و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد،
به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

بمناسبت پنجاهمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست فیلیپین

حزب کمونیست فیلیپین در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۰۹ پایه گذاری شد و روز ۱۶ آبان همان سال فعالیت خود را آغاز کرد. تا سر حزب کمونیست فیلیپین را انقلاب کمونیستی اکتبر در روسیه و جنبش آزادی بخش ملی در آسیا، بویژه در چین و اندونزی، الهام بخشید. کمونیست های فیلیپین، در بنیانگذاری حزب خویش، همچنین از کمک های انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا بهره مند شدند.

بسیار بایت گذاران همساز کمونیست فیلیپین را کارگران، سه رهبری کوربتیان و اوانجلیستا (یکی از فعالان سندیکای کارگران چایخانه) تشکیل می دادند. برخی از آنها نیز دهقان بودند و یا از قشرهای میانه سوسیالیست بودند. در ترکیب نخستین رهبران حزب کمونیست فیلیپین، ضرورت رهبری طبقه کارگر، همبستگی با دهقانان و نقش آرزنده قشرهای میانه در پیکار آزادی بخش ملی و فرارویی آن به سوسیالیسم تجسم می یافت.

نخستین برنامه حزب کمونیست فیلیپین، هدف "حزب را ادامه" انقلاب تا تمام فیلیپین (۱۹۲۳) در شرایط جدید امر از حکومت طبقه کارگر در اتحاد شوروی و آغاز ساختمان سوسیالیسم در آن کشور تعیین میکرد. در تابستان ۱۳۱۰، در واقع فعالیت های حزب کمونیست فیلیپین و جنبش های کارگری - دهقانی وابسته به آن، دولت استعماری بسیاری از رهبران حزب و سندیکاهای کارگری و دهقانی را دستگیر کرد و یک سال بعد به اتهام تشکل غیرقانونی در "دادگاه عالی" به محاکمه کشید. بدین ترتیب، نخستین دوره فعالیت قانونی حزب کمونیست فیلیپین پایان یافت.

اما حزب بی درنگ فعالیت خویش را در شرایط بنیانی ادامه داد و در میان دهقانان "لوزون مرکزی" و کارگران مانیل از محبوبیتی ویژه برخوردار شد.

حزب کمونیست فیلیپین با "حزب سوسیالیست فیلیپین" که در سال ۱۳۱۱ تاسیس یافت، به همکاری پرداخت. این همکاری خصوصی پس از

شرکت نمایندگان حزب، در کنگره هفتم "کمترین" و بازگشت آنها به فیلیپین گسترش یافت. دو حزب سه همکاری گسترده در مبارزه بسطی آزادی زندانیان سیاسی و رسمیت ساختن فعالیت علنی حزب کمونیست فیلیپین مبادرت ورزیدند. همکاری روزافزون میان دو حزب و کمک های انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به وحدت حزب کمونیست فیلیپین، و حزب سوسیالیست فیلیپین در کنگره سوم حزب نخست و زیر نام حزب کمونیست فیلیپین، در سال ۱۳۱۷ انجامید.

پس از کنگره سوم، حزب کمونیست فیلیپین کارزار گسترده ای را برای تحکیم وحدت طبقه کارگر، همبستگی هر چه نزدیکتر با جنبش دهقانی و تشکل طبقه متوسطا قیستی آغاز کرد. در این دوران، گروه کثیری از روشنفکران و نمایندگان قشرهای میانه نیز به همکاری حزب برای دمکراسی و علیه فاشیسم روی آوردند.

حمله ژاپن به فیلیپین در زمستان ۱۳۲۰، به هیچ روی حزب کمونیست فیلیپین را غافلگیر ساخت. حزب که از مدت ها پیش انتظار چنین تهاجمی را داشت و خود را برای مقابله با آن آماده کرده بود، بی درنگ به تشکل "هوک بالاهاپ" (ارتش خلقی ضد ژاپن) و گردان های مسلح "جبهه متحد ملی ضد ژاپن" پرداخت و قشرهای گوناگون مردم را، که از همکاری با دشمن سر باز می زدند، در آنها گرد آورد. از آنجا که تشکیلات حزب کمونیست فیلیپین به مقاومت در برابر دشمن مبادرت ورزید، و رهبران دیگر احزاب سیاسی کم و بیش به همکاری با دشمن تن در دادند، و جبهه و نفوذ حزب در میان توده های خلق بزودی رو به افزایش سریع نهاد. از سوی دیگر تمرکز فعالیت حزب کمونیست فیلیپین در مبارزه مسلحانه در مناطقی روستایی سبب گشت که ضرورت کار میان کارگران شهرها تا اندازه ای نادیده گرفته شود.

پس از شکست نیروهای اشغالگر ژاپن، حزب کمونیست فیلیپین پیکار قانونی خویش را از سر گرفت. حزب

به تشکل جنبش های کارگری، دهقانی و دانشجویی پرداخت و با دیگر جنبش های مقاومت علیه ژاپن به تشکل "ائتلاف دمکراتیک" اقدام کرد. در این حبه مبارزه ضد امپریالیستی، کارگران، دهقانان، روشنفکران و حتی زمین داران و سرمایه داران مترقی شرکت داشتند.

حزب کمونیست فیلیپین پنجمین کنگره خود را در سال ۱۳۲۵ برگزار کرد و در همان سال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت جست. در آن هنگام در "حزب ملی گرایان" انتخاب شد. گروهی از اعضای این حزب به ائتلاف با حزب کمونیست فیلیپین پرداخت، و برخی از آنها نیز "حزب لیبرال" را تشکیل دادند. که هوا - خواه آمریکا بود. هر چند نامزد حزب کمونیست فیلیپین در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد، اما چند کاندیدای "ائتلاف دمکراتیک" به نمایندگی یا رلمان آن کشور انتخاب شدند.

حزب آمریکا "لیبرال"، که اکثریت آرا پارلمان را به دست آورد، نمایندگان "ائتلاف دمکراتیک" را از تصاحب قانونی کرسی پارلمانی محروم نگه داشت. این حزب به تحریک و آزار دهقانان، که نیروی اصلی مبارزه ضد ژاپنی را تشکیل میدادند دست زد.

رژیم فیلیپین، که "حزب لیبرال" و "حزب ملی گرایان" به عنوان زمام آن را بدست گرفتند، به دستگیری آمریکا بی جا جنگی مسلحانه را علیه دهقانان برافروخت. ایس کارزار نظامی ده سال به طول انجامید و تشکیلات با شکوهی سیاست ضد کمونیستی و جنگ سرد امپریالیست های ایالات متحده آمریکا بود.

شکست پیکار مسلحانه، سر رهبری حزب کمونیست فیلیپین، سبب شد که تلفات سنگینی نصیب حزب گردد. اما حزب کمونیست فیلیپین بزودی به بسیج نیروهای خود و دیگر سازمان های توده ای کارگران، دهقانان، روشنفکران و دانشجویان و زنان اقدام ورزید و مبارزه این نیروها را زیر پرچم "جنبش پیشبرد ملی گراشی" ادامه داد. درست هنگامی که حزب کمونیست فیلیپین از وجه ملی چشمگیری برخوردار می گردید، آشکار شدن خط انحرافی "حزب کمونیست چین" در جنبش بین المللی کمونیستی، ضربه های سهمگین بر مبارزه کمونیست های فیلیپین فرود آورد. در سال ۱۳۲۷، گروهی از اعضای حزب کمونیست فیلیپین بویژه بخش دانشجویی آن، از حزب انشعاب کرد. به تشکل حزبی ما ثونستی پرداخت و، به کمک فعال زمین داران و سیاستمداران مرتجع، عوامل "سیا" و برخی از چینی های بومی، ارتش نوین خلق را پایه نهاد. برزیدنت مارکوس، در پائیز ۱۳۵۱ به اعلام حکومت نظامی پرداخت و فعالیت همه احزاب انقلابی و جنبش های توده ای را ممنوع ساخت. هدف وی آن بود که بدین وسیله "ثبات و قاطعیت" رژیم خود را به ثبوت برساند و از این راه سرمایه های خارجی را برای تامین مالی اطلاعات اقتصادی و ارضی برنامه "جامعه نو" به فیلیپین جلب کند.

کنگره ششم حزب کمونیست فیلیپین در سال ۱۳۵۲ در شرایطی بسیار دشوار، برگزار شد. حزب بر آن گشت که پایه ای ادامه مبارزه مستقل ضد امپریالیستی و ضد الیگارش، پیکار خود را برای باز یافتن حق فعالیت علنی تقویت بخشد. حزب کمونیست فیلیپین، ضمن پیشنهادی از برخی جبهات مشت بر نامه "جامعه نو" به افتخاری جبهه های میانی برنامه و مخالفت قاطع با آنها اقدام کرد. جندی بعد حزب کمونیست فیلیپین پس از ۲۵ سال فعالیت "غیرقانونی" خود را برای مبارزه علنی آماده ساخت.

حزب دهقانان را به پشتیبانی از اطلاعات ارضی بسیج کرد و در همین حال کوشید تا ویژگی های منفی آن بهبود یابد. دهقانان به اتحادیه های روستایی دولتی و تعاونی های کشاورزی پیوستند. اتحادیه های

کارگری مترقی کوشیدند تا با همکاری سندیکاهای دولتی، شرایط ایجاد جنبش واحد سندیکای را فراهم آورند. تلاش های وحدت جویا به نام سرده در جنبش های جوانان، دانشجویان و زنان پیرمایان گشت.

اما جندی گذشت، که عناصر ارتعاشی، چه در داخل دولت و چه در خارج از آن، از گسترش فعالیت نیروهای مترقی در جنبش های توده ای موحتت افتادند و با ردگرز مزمه منع سازمان های مترقی، از جمله حزب کمونیست فیلیپین را از سر گرفتند. در چنین حوی، کنگره هفتم حزب در تابستان سال ۱۳۵۶ در شرایط نیمه علنی برگزار شد.

کنگره اعلام داشت که مهم ترین تضاد مرحله کنونی جامعه فیلیپین را باید در تضاد میان سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، از یک سو و خواست های ملی و دمکراتیک مردم فیلیپین در گستره استقلال سیاسی و اقتصادی، بی طرفت و برابری از سوی دیگر دید. کنگره هفتم، سبب را موظف کرد که در تعیین دوستان و دشمنان خود، تنها این معیار را در نظر داشته باشد.

حزب کمونیست فیلیپین در سراسر زندگی و فعالیت پنجاه ساله خود همواره دارای سمت گیری انترناسیونالیستی بوده است. حزب کمونیست فیلیپین دارای پیوندهای نزدیک سراسری با حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا است تا قبل از خیانت رهبران ما ثونستی چین به جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری، احزاب کمونیست فیلیپین و چین از همکاری مشترک یکدیگر، بویژه علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن پشتیبانی میکردند.

تنی چند از کمونیست های فیلیپین در بریکاردین المللی علیه فاشیسم اسپانیا شرکت داشتند.

حزب کمونیست فیلیپین، با سروریه نیز خویش را بخشی از جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری میدانده و همه جا از همکاری انقلابی جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و جنبش های آزادی بخش ملی هواداری میکند. کمونیست های فیلیپین با رها همبستگی خود را با انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران ابراز داشته اند.

حزب کمونیست فیلیپین را به حزب برادرش دباش میگوئیم و پیروزیهای بیشتر آنها را در مبارزه ضد امپریالیستی و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

درباره جنبش

نقشه از صفحه ۳

در گستره بین المللی

جنبش ما بخشی است از جنبش آزادی بخش بین المللی در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و موامل آنان. ما بر پایه اصول خود و "منشور ملی فلسطین" (۱۳۴۷)، با احزاب گوناگون جهان همکاری می کنیم و از این راه به پیشبرد هدف های جنبش نامبرده کمک می رسانیم.

سازمان های بین المللی

۱- ما از طریق "سازمان آزادی بخش فلسطین" در همسازمان های مجامع بین المللی، بویژه "سازمان ملل متحد"، برای تصویب قطعنامه های مترقی، که از حقوق خلق عرب فلسطینی پشتیبانی می کنند، کوشا خواهیم بود و پیگیران در راه منفرد ساختن هر چه بیشتر صهیونیست ها و ایالات متحده آمریکا در این سازمان ها خواهیم رسید.

۲- ما کوشش خواهیم کرد تا قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که صهیونیسم را به عنوان شکلی از نژادپرستی محکوم می سازد، تکامل یابد و به موجب "منشور سازمان ملل متحد" اقدامات تنبیهی را در قبال پایگاه های امپریالیسم، صهیونیسم و استعمار در فلسطین مقرر دارد.

۳- ما در راه تاسیس مواضع سازمان ملل متحد، می بر محکوم ساختن "کمپ دبوید" مبارزه خواهیم کرد و از این سازمان خواستاریم که از ایجاد آدای های صهیونیستی به زبان خلق ما جلوگیری به عمل آورد.

نیروهای دوست

۱- باید پیوندهای خود را با کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحکیم بخشیم، چه روایتی جدی و کارای دسیسه های ایالات متحده و صهیونیست علیه انقلاب فلسطین و جنبش های آزادی بخش

ملی در سراسر جهان، این ائتلاف را هر چه

بیشتر ضروری سازد.

۲- لازمست که مناسبات رزمجویانه خود را با جنبش های آزادی بخش که دوش به دوش ما علیه امپریالیسم ایالات متحده، صهیونیسم، نژاد پرستی، فاشیسم و ارتجاع پیکار می کنند، تقویت بخشیم. "الفتح" پشتیبانی خود را از همه جنبش های آزادی بخش و نیروهای، که در سراسر جهان علیه اختناق و ستم، مبارزه می نمایند، اعلام می دارد.

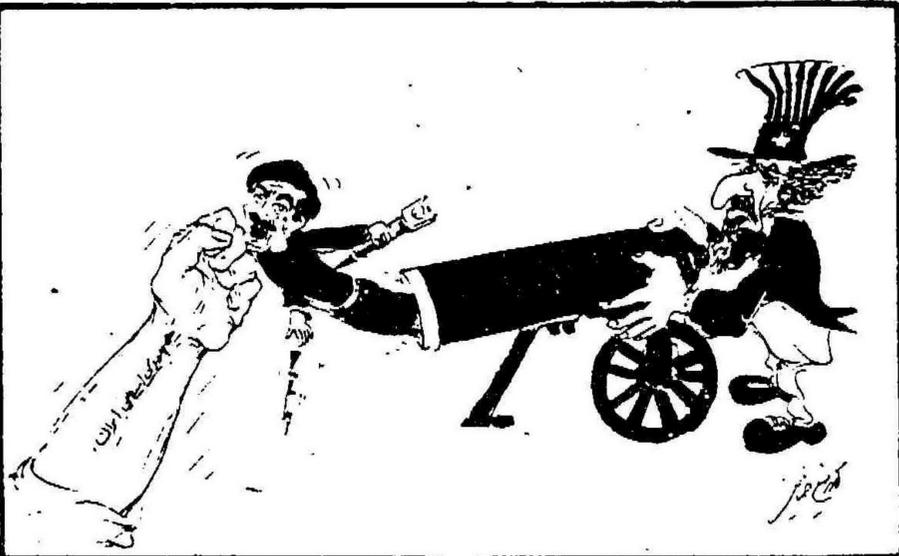
۳- باید مناسبات خارجی خود را بر پایه اصول و برنامه جنبش گسترش دهم و با همه نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک که در راه پیشبرد هدف های عادلانه و حقوق حقه ما، دوش به دوش، پیکار می کنند، رابطه برقرار سازیم.

۴- لازمست که مناسبات رزمجویانه خود را با انقلاب اسلامی ایران، که بزرگترین سنگر امپریالیسم ایالات متحده را در منطقه در هم شکستافت و هم دوش ما برای آزادی فلسطین می زند، تحکیم بخشیم.

۵- باید مناسبات خود را با خلقها و دولت های کشورهای اسلامی، آفریقایی و غیر متعهد گسترش دهیم و آنها را فراخوانیم تا گماکان از ما و مبارزمان در راه شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین، به مناسبت تنها نماینده راستین خلق فلسطین، به پشتیبانی بپردازند.

درباره ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا دشمن اصلی خلق و ملت ما است. چه دولت این کشور در برابر خلق ما، انقلاب ما، مردم عرب و همه نیروهای آزادی بخش عرب و جهان سیاسی خصمانه پیش گرفته است آمریکا، که از صهیونیسم و موامل آن در منطقه پشتیبانی می کند، می گوشت تا از طریق پیمانهای ملبتاریستی، سلطه نظامی خود را بر منطقه تحمیل سازد و ثروت های خلق ما را به جیب اول برد. از این رو لازمست که جبهه بین المللی ضد امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر توان بخشیم. به مقابله همه جانبه با سیاست آمریکا برخیزیم، آنرا عقیم سازیم و ضربه های سهمگین بر منافع آمریکا در منطقه وارد آوریم.



جلوگیری از فعالیت خرابکارانه صرافکاران در زمینه ارز، اما هنوز کافی نیست

روز چهارشنبه، ۱۴ آبان ۵۹، با اجرای یک طرح ضربتی ارزهای صرافکاران در سراسر کشور توسط دامن‌سازان انقلاب جمع‌آوری و در اختیار بانک مرکزی ایران قرار داده شد. این تصمیم درست مورد تأیید کامل ماست.

باید گفت که فعالیت صرافکاران در خرید و فروش ارز قبل از این تاریخ نیز طبق قانون، غیرقانونی و مراسلای خنثی فاقد مشروعیت بود. مگر این مجرای مهم حیاتی اقتصادی و مالی کشور، که می‌بایست همان‌روز پس از پیروزی انقلاب سدودمی گردید، تا همین روز چهارشنبه، یعنی نزدیک به دو سال در برابر غارتگران درآمد‌های ارزی و سرمایه‌های مالی متعلق به مردم انقلابی و دولت جمهوری اسلامی باز بود.

در فاصله قریب دوسالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، قنایعیان ارز و صرافکاران چه‌سهمو لطفه جبران‌ناپذیری که به اقتصاد کشور و به انقلاب وارد ساختند. میلیاردها سرمایه ارزی کشور بوسیله این صرافکاران بسود ضدانقلاب بخارج انتقال داده شده است. ضربات کمرشکنی از راه خرید و فروش ارز خارجی بانرخهای بالا، به قدرت خرید ریال ایران زده شده و صدها میلیون تومان درآمدی که باید به حساب بانک مرکزی ریخته می‌شد، از طریق صرافکاران با معاملات قاچاق ارز صاحب شده است. می‌توان گفت که فعالیت صرافکاران، که بطور عمده طفیلی‌ترین و فارتگرترین نوع سرمایه‌داری در اختیار دارند، ضربات سهمگینی به مالیه اقتصاد جمهوری اسلامی وارد آورده، که تورم پولی و رکونی ناشی از آن و اختلال درآمد ارزهای مملکت، چه‌سود خروح آنها بوسیله ضدانقلاب وجه‌سود ادامه تسلط اقتصاد امپریالیستی بر بازار اقتصاد ایران، برخی از جهات وجوانب آن بشمار می‌رود.

صرافکاران نه تنها از راه خرید و فروش ارز، بلکه از طریق فعالیت سرمایه‌داری و دریافت ریزه‌های کمرشکن یا زاگناری قرض به مردم، به ویژه اقشار تنگدست بازاری و دهقانان، درآمد‌های سرسام آور کسب می‌کنند. سرمایه‌داری در دست صرافکاران مانند زالوه خون اقتصاد کشور را می‌کشد و در اختیار صاحبان سرمایه‌های ربانی و قنایعیان ارز قرار می‌دهد.

سرمایه‌داری در دست صرافکاران، نه امروز و دیروز، بلکه از اوائل قرن، عامل عمده درجا زدن اقتصاد ایران در عقب‌ماندگی و ادامه حیات برای طفیلی‌ترین قشر سرمایه‌داری سرمایه‌داری استعمار رهنورد می‌رود. با این توضیحات مختصر، دیده می‌شود که قطع فعالیت سرمایه‌داری در تمام اشکال آن، که یکی از آنها ضمانت از خرید و فروش ارز است، تاجه پایه برای تأمین سلامت اقتصاد ملی و رهایی جامعه از دست سرمایه‌داران رباخوار ضرورت حیاتی دارد.

اکنون که خوشبختانه اولین شریه کاری به بیکر این سرمایه طفیلی وارد شده، کارنه فقط به اینجا نباید خاتمه یابد، بلکه اقدام

لازم برای جلوگیری از فعالیت صرافکاران در خرید و فروش ارز، باید با قطع کامل فعالیت سرمایه‌داری در همه جهات مختلف آن تکمیل گردد. میلیونها دهقان در دهات و صدها هزار پیشه‌ور جزء در شهرها متروک سرمایه‌داران رباخوار هستند. با قطع فعالیت صرافکاران باید کلیه قروض زحمتکشان به رباخواران از هر قرضی، اهم از آنکه رسام، مانند صرافکاران شهری شمشه و دفتر دستک داشته باشند و یا مانند فتودالها و زمینداران بزرگ، من غیر مستقیم از چنین فعالیت‌های غارتگرانه‌ای بهره‌مند شده و می‌شوند، بختوده شود. سرمایه صرافکاران باید بسود بیت‌المال و خزانه عمومی کشور حصارده شود، بخصوص که صرافکاران نه فقط قانون را رعایت نکرده‌اند بلکه به قبول فتوای امام خمینی و دیگر مراجع عالیقدر مذهبی نیز در خودداری از دریافت ربا و خرید و فروش ارز قاچاق نیز تن نداده‌اند. از این جهت اقدام مقامات بانک مرکزی، که قصد دارند نیمی از سرمایه صرافکاران را به آنها باز گردانند به هیچوجه توجیه قانونی و منطقی ندارد، زیرا چنین اقدامی به منزله برسیست شناختن فعالیت صرافکاران در زمینه رباخواری است، که قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آن را مردود شمرده است.

اما در زمینه جلوگیری از قاچاق ارز نیز، گرچه جلوگیری از فعالیت صرافکاران در این زمینه بسیار لازم است، لیکن به هیچوجه کافی نیست. درست است که صرافکاران حامل انتقال ارز برای ضدانقلاب به خارج و درهم ریختن نظام ارزی جمهوری اسلامی بوده‌اند، اما مگر خود بانک مرکزی ایران با صدور ارز تسلیلی برای فرزندان طاغوتی-هائی که در خارج تحصیل می‌کنند، موافقت نکرده است؟

صرافکاران در جمع شاید سالیانه صد میلیون دلار ارز قاچاق در اختیار مشتری‌های طاغوتی خود قرار می‌دادند. اما بانک مرکزی سالیانه چندین میلیارد دلار ارز، آنهم با نازلترین قیمت ممکن، بنام ارز دانشجویی در اختیار خانواده‌های قرار می‌دهد که فعالیت آنها علیه انقلاب انظرمن‌النفس است. آیا می‌توان قبول کرد، در شرایطی که دانشجویان ایرانی از خانواده‌های زحمتکش در جبهه‌های جنگ خونشان را برای دفاع از وطن، به زمین‌های بی‌زینده، سالیانه میلیاردها دلار ارز بنام دانشجویان بخارج انتقال داده شود؟

اما انتقال ارز بخارج تنها از راه قاچاق ارز دانشجویی بخارج، آنهم در شرایط ویژه کمونی زمان جنگ، که صرفه‌جویی در هر دلار امری بسیار لازم و ضروری است، صورت نمی‌گیرد. بازارگانان وابسته، که دلال فروش کلاهای خارجی در بازار ایران هستند، از عاملین عمده اصلی خروج ارز از ایران‌اند. این قشر از بازارگانان با استفاده از خرید ارز به بیالغ نازل، درست همان کلاهای را از خارج خریداری و وارد می‌کنند، که بزیران اقتصاد، مالیه، صنعت و معیشت عمومی کشور ماست.

بنوان مثالی از فعالیت سرمایه تجاری، که علیه انقلاب و علیه استقلال و ملیه اقتصاد کشور اقدام می‌کند، می‌توان به واقیبت زیر اشاره کرد:

وزارت آب و برق در همین هفته‌ای اخیر به مصرف‌کنندگان برق هشدار داده است که مصرف برق خود را افزایش ندهند، زیرا این کار می‌تواند شبکه برق و مراکز تولید آن را از هم بپاشد و خرابی‌های جبران‌ناپذیر ببار آورد. درست در همین زمان منازعه‌ها و حتی پیاده‌روهای تهران و شهرستانها پر می‌شود از دهها هزار بخاری برقی، که از زاین گرفته تا ایتالیا خریداری شده و به بازارهای ایران وارد شده است! سفارش‌دهندگان این بخاریها، که استفاده از آنها در شرایط فطری مضر بحال شبکه برق کشور است و می‌تواند خسارات بسیار سنگینی وارد کند، جز بازارگانان وابسته‌ای که با استفاده از ارزهای تجاری به این کار اقدام کرده‌اند، کسان دیگری نیستند. ملاحظه کنید با این اقدام نه فقط ارزی را که باید به مصارف ضروری می‌برسد، از دست دولت ربهوده و بخارج انتقال داده‌اند، بلکه در ازاء آن کلاهای وارد ساخته‌اند که سلامت شبکه برق کشور را تهدید می‌کند. آنهم در چه زمانی! در زمانی که وضع اضطراری جنگ و کمبود سوخت ما حکم می‌کند که از خرابی شبکه برق خود با تمام قوا جلوگیری کنیم.

واردکنندگان بخاریهای برقی تنها تجار وابسته‌ای نیستند که با دلالی کلاهای خارجی زیان جبران‌ناپذیر به منابع ارزی و اقتصاد کشور وارد می‌سازند. قسمت اعظم سرمایه تجاری، که با بازارگانان خارجی سر و کار دارد، همین نقش مخرب را ایفا می‌کند. آنهم با استفاده از ارزی که سرمایه عمومی و متعلق به ملت است و در شرایط کمونی باید منحصراً به منظور تأمین نیازهای نظامی و عمومی صرف گردد. بدینسان بوضوح معلوم می‌شود که جلوگیری از قاچاق ارز و صرفه‌جویی در مصرف آن، با اجرای فوری اصل ملی کردن بازارگانان خارجی ارتباط مستقیم دارد. ملی کردن بازارگانان خارجی از اقداماتی است که از جمله برای حفظ ذخایر ارزی مملکت حتی یک روز نباید به تأخیر بیفتد. متأسفانه این امر فوق‌العاده مهم همچنان بیش از یک سال است که از امروز به فرود انداخته می‌شود.

بیرامون ضرورت جلوگیری از فعالیت سرمایه‌داری، صرافکاران و ضمانت کامل از قاچاق ارز مطالب بسیار دیگر می‌توان طرح کرد و نوشت. لیکن همین مختصر قطعا برای درک ضرورت این امر کافیست که، جلوگیری از فعالیت صرافکاران کاری درست و لازم بود، ولی به هیچوجه کافی نیست. مبارزه علیه سرمایه‌داری ربانی و قاچاق ارز باید در بعد وسیع سلسله اقداماتی انجام گیرد که به فعالیت سرمایه‌داری ربانی و سرمایه‌داری تجاری وابسته در همه اشکال و مظاهر مختلف آن پایان دهد. می‌توان امور اقتصادی و مالی ربانکی جمهوری اسلامی تنها با چنین برداشتی می‌تواند اقتصاد و مالیه جمهوری اسلامی را از گزند خطرات جدی از جانب ضدانقلاب و امپریالیسم مسمون داند و بدینسان جنگ انقلابی در جبهه اقتصادی را بسود تأمین پیروزی انقلاب به انجام برساند.

این افتراات کذب محض است

در تکذیب خبری که در روز ۷ آبان ۱۳۵۹ در مطبوعات از قول خبرنگار خبرگزاری پارس تحت عنوان سوء استفاده حزب توده از بیت‌المال و صداقت مردم جنوب شهر تهران انتشار یافته، نامه‌ای از جانب آقای محمدعلی قرایی، وکیل رفیق علی‌سجری بیستانی، به ریاست خبرگزاری پارس ارسال شد. از آنجا که متأسفانه تاکنون اقدامی از جانب خبرگزاری پارس برای تصحیح این خبر سرافک‌انگیز انجام نگرفته است، نامه مردمی برای روشن شدن افکار عمومی از حقیقت واقعه، این نامه را در زیرمشر می‌نویسیم:

جناب آقای دکتر کمال خرازی رئیس محترم خبرگزاری پارس ضمن تقدیم فتوکپی و کدکتابه شماره ۳۹۲۷۳، و کالتا از طرف آقای عباس سجری بیستانی بااستحضار می‌رساند:

در اختیار خبرگزاری پارس قرار داده شده، انتشار داده و برای درج در اختیار جراید بگذازد بشرح زیر:

- ۱- محل مورد بحث، مرکز حزب توده ایران نبوده و دلیل آن متن خبر است که می‌گوید: «...نه حکایت از...» دارد نه مرکز حزب...»
- ۲- سوء استفاده حزب توده ایران از بیت‌المال... مردم جنوب شهر تهران...» کذب محض است. ملک مزبور متعلق به موکل و شرکای اوست. اسناد آن تقدیم بفرست شد.
- ۳- به شهادت اسناد مالکیت این آبارتاما هرگز به غلامرضا - برادر شاه معدوم سو یا به راننده‌های او متعلق نداشته است. بهترین دلیل آن، اعتراف متن اعلامیه است که می‌گوید: «مالکین سران حزب تودمانند و یکی از آنها به نام عباس سجری بیستانی...» است.
- ۴- بیمارستان توان بخشی به وسیله موکل و شرکاء تأسیس نشده است، بلکه در سال گذشته یک بلوک آن که مشتمل بر ۵ دستگاه آبارتاما و دارای در ورودی مستقل در خیابان استخری است، به وسیله پاسداران ستقر در کلاتری محل، که بعد از سپاه اخراج شده‌اند، عنواناً تصرف شد و کوشش موکل و شرکاء برای تخلیه و رفع تصرف عنوانی به جانی نرسید. حجت‌الاسلام ایروانی حکم تخلیه صادر کردند (فتوکپی این حکم هم اکنون در پرونده فعلی ضبط است)، ولی پاسداران مزبور از تخلیه معامت به عمل آوردند و بنابه اعلام خود، آن را تبدیل به بیمارستان متعادل نمودند، ولی درواقع به خرید و فروش مواد مخدر مشغول شدند. مسئولین موسسه فرهنگی

جنوب کرازا به مسجد محل مراجعه نمودند و از این اوضاع شکایت کردند. آنها حتی بعد از بازداشت به کتبه و شخص آقای خلیلیان مراتب را اطلاع دادند و درحقیقت کتبه برینمای شکایت مسئولین موسسه فرهنگی اقدام به بازرسی محل بیمارستان متعادلین کرد.

۵- برخلاف ادعایی که در اعلامیه آمده است، موسسه فرهنگی جنوب، زیر نظر موکل و شرکای وی نبوده است، بلکه مسئولین موسسه فرهنگی اجازه داشته‌اند از محل مزبور برای سکونت و کارهای غیرخواهانه استفاده کنند. این مراتب نیز کتبا به اطلاع کتبه منطقه ۱۲ رسید.

۶- بجلازه، مسئولین موسسه فرهنگی جنوب مطلقاً به کارهای غیر مجاز نپرداخته‌اند، آنها فقط کلاسهای درس تشکیل داده‌اند که صورتجلسه حکایت از کلاس و تدریس دارد و هم‌اکنون شاگردان برای ادامه تحصیل به آنجا مراجعه می‌نمایند.

۷- پوستر مربوط به سایر گروهها در محل موسسه فرهنگی نبوده است و جداً تکذیب می‌شود. تهیه یک نسخه از اعلامیه یا روزنامه امم از مجاز و ممنوع برای مطالعه یا تهیه آرشوچرم نیست، و ادعای این که روزنامه‌های گروهک‌های چپ‌ها در محل موسسه فرهنگی توزیع می‌شده است، کذب محض است.

۸- نوشته شده است: «تأمین گروهک‌ها و سازمانهای ضدانقلابی به نحوی با این مرکز حزب تودمدار ارتباط بوده‌اند. این نیز دیوغ محض است. در حقیقت این قسمت از اعلامیه، بیان آرزوی هم‌های است که می‌خواهند حزب

موکل در جبهه ضدانقلاب باشد و در این راه نیز تلاش می‌کنند، خوشبختانه آنها هیچکدام به این آرزو نرسیده و نخواهند رسید.

۹- به شهادت صورتجلسه تنظیمی که به امضای مسئولین بازداشت‌شده موسسه فرهنگی نیز رسیده است، مطلقاً از کتبه، مسلسل، ژاکت، فشنگ، خنجر، دستبند، پاینده و امثال آن نامی به میان نیامده است. بعد از بازداشت آنان، بازرسی کامل کلیه آپارتمانها، تصرف کتابها و آرشو و تنظیم صورتجلسه و امضای آن، در مورد یافت شدن سلاح در محلی که دیگر در تصرف آنان نیست، هیچگونه ادعایی مسموع نبوده و لذا کلا تکذیب می‌شود.

۱۰- به شهادت صورتجلسه تنظیمی، تصرف محل بیمارستان، مواد مخدر و وسایل آن و نیز وسایل قمار و سلاح‌های سرد و گرم از محل بیمارستان کشف شده است که در تصرف پاسداران اخراجی بوده است.

۱۱- موکل و شرکای او در نامه گذاری بیمارستان نقش و اطلاع نداشته‌اند، تا بتوان عمل آنها را فرصت طلبانه نماید. این، متصرفان عنوانی بودند که آن را به نام طالقانی نامگذاری کردند. همچنین کلیه کتافات، حشرات، گرد و خاک و دارو و آلودگی مشاهه بیماری بسیار، به پاسدار اخراجی جواد نصیری و همستان او، مربوط است.

۱۲- نوشته شده است یکرازمسئولین موسسه فرهنگی که بیکار بوده، وام بیکاری گرفته و بطور رایگان برای امور فرهنگی بیکار بوده است. مشکل بتوان در این کار جز روحیه انسانو از خودگنشتن چیز دیگری مشاهده کرد.

۱۳- حسب عکس امام خمینی و شعارهای ضدامپریالیستی، برخلاف ادعای اعلامیه، هوامفریبی نبوده است. این امر، هر انبان میهنپرست و صادق به انقلاب را فقط به تحسین و امیدارد.

۱۴- فوجت انقلابی برای آزادی طفیفة کارگر، که یک گروهک مائوئیستی آمریکائی و طرفدار تبدیل جنگ فعلی به جنگ داخلی است، محال است یا حزب توده ایران، که ضد امپریالیسم آمریکائی ضد مائوئیسم است، کوچکترین رابطه و هلقه‌ای داشته باشد. همه می‌دانند که حزب توده ایران هواره با قاطعیت و صداقت انقلابی خود، همه میهنپرستان را به اتحاد و مبارزه علیه امپریالیسم و دست‌نشاندهانش (از قماش صدام و غیره) دعوت کرده است. در جنگ ایران و عراق نیز حزب توده ایران، چه در تهران و چه در سایر شهرستانهای ایران، در اعلامیه‌ها و مکاتبه‌های رسمی خود کلیه امکانات خویش را در اختیار سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی گذاشته است و تاکنون تعداد قابل توجهی شهید داده است که همگان از آن باخبرند.

۱۵- حزب موکل (حزب توده ایران) همیشه از همه میهنپرستان و مبارزان انقلابی صدیق پشتیبانی کرده است. حمایت موکل و حزب توده ایران از امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و روحانیون مبارز ایران به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سالهای قبل از آن مربوط می‌شود. کلیه تشریفات حزب توده ایران شاهد صادق این مدعا هستند. جای تأسف است که عده‌ای فاکاگ و اچانا مفرض سنی دارند برای رسیدن به نتایج معین حقایق را در مورد حزب توده ایران وارونه جلوه دهند.

با تجدید احترام - محمدعلی قرایی، وکیل عباس سجری بیستانی»

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان بمناسبت شهادت رفیق سیمین سلامی زاده امداد گری از سنگرهای مقاومت

که به تبار شهیدان پیوست

۱۹ آبانماه ۵۹ گسل پریز آبادان قهرمان، امداد گری توده‌ای، سنگرهای دلاوری و سپید دوستی، در میان عده کثیری از اهالی ماهشهر، افراد خانواده و رفقای وی در گورستان ماهشهر بخاک سپرده شد.

در این مراسم هیئت از طرف سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان و نیز مسئولین، ائمه و هواداران حزب توده ایران در ماهشهر، شرکت داشتند.

رفیق سیمین، در دوم مرداد ۱۳۳۹ در خانواده‌ای متوسط در آبادان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رسانید و در خانواده‌ای انسانمست و به شهری با سابقه درخشان مبارزات ضد امپریالیستی و انقلابی هر روز می یافت و بالید سیمین در جریان انقلاب شکوهمند مردم ایران فعالانه شرکت جست و پس از انقلاب ۲۲ بهمن، به زندگی سیاسی و انقلابی نویسی پیوست و به صفوف حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران پیوست و از آن پس تمام وقت و انرژی خود را در اختیار حزب و آرمان آن قرارداد. چهره سیمین برای مردم آبادان، چهره آشنایی بود، زیرا همواره با دستهای از گلپایه، نامه مردم، سراسر

شهر را زیر پا می نهاد. بهنگام آغاز تجاوز نظامی رژیم جنایتکار مدام حسین، سیمین به پیروی از فرارخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، فعالانه به سازمان دفاع جبهه خونین شهر پیوست و در امداد پزشکی، با همکاری همکاران و خستگ ناپذیری در رسیدگی به وضع مجروحان شرکت جست. پس از انتقال گروه‌های امداد خونین شهر به آبادان و پس از آنکه خانواده رفیق سیمین بر اثر فشار شدید توطئه‌ها دشمن، ناگزیر به پناهنده شدن در آبادان، یعنی ماهشهر منتقل شدند، او در کنار دیگر توده‌های در شهر آبادان ماند و در گروه‌های امداد بیمارستان طالقانی آبادان به فعالیت‌های جبهه‌نویسی ادامه داد.

سیمین در بیمارستان طالقانی نیز نمونه برجسته انسان دوستی، شجاعت و ایثار بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شوقی مردم به زحمتش و آرامنای والای آنها بود.

رفیق سیمین سلامی زاده، در روز ۱۳ آبانماه، هنگامیکه از کار امداد بازمیگشت، اطلاع یافت که در خانه مجاور گلوله توطئه‌ها آرتی جنایتکار صدام حسین، عده‌ای را زخمی کرده است. وی بر تریه برای یاری همسوی آن مکان شتافت، ولی در همان وقت ترکش خمپاره به پیکر پر شور و سراپا ایمان وی اصابت کرد و وی را به شهادت رساند.

شهادت سیمین در ماهشهر، اندوه عمیقی را در مردم و ویژه کارکنان بیمارستان طالقانی، که وی را بخوبی می شناختند، باعث گردید. این پیکر پاک و گلگون وی را فرق در کل ساختند. اطلاعیه در کنان بیمارستان طالقانی در باره شهادت وی، از رادیو آبادان پخش گردید و تسلسف عمیق رزمندگان آبادان قهرمان را برانگیخت.

سازم رفیق شهید سیمین، هنگامیکه شهادت فرزند جوانش را شنید، به رفتی او، که کرد وی و پدر شهید را گرفته بودند گفت:

محبوب دخترم به او درس انسان دوستی و دود از وطن داد... ما تا این لحظه نمی دانستیم که حزب توده چیست و کونستان دخترمان کیست، اما اکنون می بینیم که جوانهای فداکار و پر شوری در این حزب جمع شده‌اند. ما اکنون پاره دخترمان ایران آوردیم.

یاد سیمین سلامی زاده و دیگر شهیدان راه استقلال و آزادی ایران، برای همیشه گرامی است و راجعاً تهنیتی کامل و قطعی بر امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان جنایتکارش چون رژیم صدام خان، ادامه خواهد یافت.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، ۱۹ آبان ۵۹

در جلسه علنی دیروز مجلس:

انقلاب هنوز پایان نیافته است

مجلس ملت ایران همچون فولاد آبدیده شده و قدرت استقامت در جبهه‌ها را دارد.

۲۷ درصد شهر نشینان و ۸۳ درصد روستاشینان بی خانه هستند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که به ریاست حجت‌الاسلام فلسفی رفتاری تشکیل شد، چند تن از نمایندگان در باره مسائل مختلف مملکتی سخن گفتند و تصدیق از مواد طرح اداره رادیو و تلویزیون به تصویب رسید. اولین نطق پیش از دستور این جلسه، بقانونی تعیین شده سیزدهم مرداد که ضمن اشاره به حمله رژیم صدام به ایران اظهار داشت: دولت ترمزمنمو نیز راه‌های صلح ما در این جنگ ثابت کرده که اگر جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، استقامت می‌کنند. مزدوران امپریالیسم جهانی خیال می‌کردند، امت قهرمان ایران این صدمات را که در طول انقلاب، مخصوصاً یکی دو سال اخیر تحمل کرده است، دیگر تاب تحمل جنگ و نبرد هم بجایه رویاوری را ندارد. اسباب غافل بودند که این ملت همچون فولاد آبدیده شده و در این کوران انقلاب هم ترمز کمبود مواد غذایی و هم ترمز نبردهای خیابانی کرده است و هم قدرت استقامت در جبهه‌ها را دارد.

ناطق سپس افزود:

انقلاب هنوز پایان نیافته و دشمن در کمین است تا با انقلاب طغیان در پایان گفت:

مجلسی متعصب متعصب که در شرایط کنونی رضایت آزاد تلویزیون تزیین می‌کند و تشنج به وجود می‌آورد. من سوء نظری ندارم. ولی متعصب که یکی در روزنامه چند صد قانون اساسی را استناد می‌کند و تشنج بوجود می‌آورد و دیگری مجلس را به تشنج می‌کشد.

حسین گرماتی نماینده آبادان و ابرکو، دومین نطق پیش از دستور، ضمن سخنانش اظهار داشت:

«جوانان ما در جبهه با از جان گشتگی مبارزه می‌کنند، ولی آیا ما هم در سنگرهای پشت جبهه به همان تریب می‌جنگیم؟ وی سپس گفت:

«ما شرمنا اگر ۵۰ سال دیگر ملت بیاید و این مجلس را که باید الگو باشد، آفتور که باید نیندند، لذا باید از رفتارهای خلاف تفرق پریشی کرد، تا آتپایی که با هزاران امید و عشق و علاقه ما را به اینجا فرستادند، نالید نشوند»

حسین گرماتی سپس تاکید کرد که بر مردم واجب است که از جنگ زدگان کشور، آن‌هایی که نرسر توانند بچنگند پذیرایی و استقبال کنند.

تصویب مواد طرح اداره رادیو و تلویزیون در اینجا حجت‌الاسلام فلسفی رفتاری رئیس مجلس پیش از شروع دستور، تذکراتی چند در

ارتباط با مسائل مختلف از جمله اسکان جنگ زدگان داد. سپس نامه اعتراض حجت‌الاسلام مهدیخواه در مورد تحریف سخنان وی در روزنامه کیهان توسط رئیس مجلس خوانده و از روزنامه‌ها خواسته شد که دقت لازم را مبفول دارند.

سپس مجلس وارد دستور شد و بندهای مختلف ماده ۵ طرح اداره رادیو و تلویزیون مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نتیجه بند ده این ماده، که مربوط به انتخاب مدیر عامل مملکت و سیمای جمهوری اسلامی ایران است، به تصویب رسید.

سپس بند مربوط به تعیین بودجه این مرکز مطرح شد که آن نیز پس از بحث و بررسی مورد تصویب قرار گرفت. بر این اساس، بودجه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران توسط مدیر عامل این مرکز برآورد و به شورای سرپرستی پیشنهاد خواهد شد.

پیام سازمان جوانان توده ایران به جوانان جنبش خلق برای آزادی آنگولا به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا

پیروزی از آن خلقهاست

رفقای عزیز! سازمان جوانان توده ایران از سوی جوانان انقلابی ایران چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا را به شما و جوانان و مردم مبارز آنگولا مستحانه شادباش می‌گوید.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و توده‌ای در کشور شما، که به برکت مبارزه مسلحانه خلق رزمنده شما، تحت رهبری «مپلا» (م.پ.ل.آ.) به دست آمده، توانست به بساط فارتگری و ستم امپریالیستها و استثمارگران پرتغالی در آنگولا خانه بختند.

امروز «مپلا» (م.پ.ل.آ.) که در کوره آزمون‌های دشوار مبارزه مسلحانه آبدیده شده است، با برخورداری از پشتیبانی همجانبه خلق قهرمان آنگولا، آنگولای مستقل و دمکراتیک را به دست جامعه‌های نوین، فارغ از هر نوع استثمار و استثمار هدایت می‌کند.

اکنون آنگولستو تو، رهبر محبوب خلق آنگولا، در میان شما نیست. این فقدان نه تنها برای مردم آنگولا، بلکه برای تمام جنبش‌های مترقی و دمکراتیک جهان ضایعه‌ای بی‌شمار می‌رود. اما رهبری «مپلا» موفق شده است که با مشی انقلابی خود، که بر شالوده سوسیالیسم علمی استوار است، جامعه آنگولا را به سمت افق‌های نویی رهشون سازد.

مردم ما به خوبی آگاهند که انقلاب شما در شرایطی بی‌شمار اتمام گرفت. امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، چون رژیم فزادوست آفریقای جنوبی و برتری‌طلبان پکن، که شوقینس لبام گسیخته آنها را به سرانگیب هندستی و همکاری با امپریالیسم کشانده است، با استثمارگران پرتغالی همجانبه همکاری می‌کردند و پاندهای مزدور ضد انقلابی چون «اوپتا» و «فتلا» را از نظر نظامی مجرم می‌ساختند و مورد پشتیبانی مادی و معنوی خود قرار می‌دادند. اکنون نیز پس از پیروزی انقلاب، این مزدوران امپریالیسم دست از توطئه و تحریک برداشته‌اند و می‌گویند که با دست زدن به اقدامات خرابکارانه و قتل و کشتار مردم بیگناه، روند تعمیق انقلاب آنگولا را سد کنند و در کار ساختمان سالم‌ت آمیز جامعه نوین دشواری ایجاد کنند. توطئه تحریک و تجاوزگری از سرشت امپریالیسم بر می‌خیزد، اما ما اطمینان داریم که خلق آنگولا زیر پرچم ظرنون «مپلا»، هلیرغم همه این تشنات به اهداف انقلابی و مترقی خود دست خواهد یافت.

رفقای عزیز! چنانکه می‌دانید، امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و رژیم‌های مستعبدانه‌اش در منطقه، پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، هواره گوسیده‌اند تا با محاصره اقتصادی، تجاوز آشکار نظامی به خاک ایران و توطئه‌های بی در می کودتایی، جمهوری نوپای اسلامی ایران را سرنگون سازند. در حال حاضر نیز رژیم مزدور و ضد مردمی عراق، با حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و متحدینش، به خاک ایران تجاوز کرده و با بمباران مطلق مسکونی و آموزشی و مراکز درمانی شهرهای مرزی ایران در جنوب و غرب کشور، مردم زحمتکش، کودکان و نوجوانان دیستانی و دبیرستانی را زیر خوراکها خاک مدفون ساخته است!

اما خلق قهرمان ایران همچنان دلاورانه در شهرهای مرزی از سپین انقلابی خود دفاع می‌کند. مردم ایران، مرد و زن، پیر و جوان اکنون آماده‌اند تا سلطانه‌ها توطئه‌های امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، مقابله کنند و تا پیروزی نهایی و شکست کامل امپریالیسم آمریکا، یک دم از پا نخواهند نشست. همچنانکه تجربه تاریخی در گویا، آنگولا، ویتنام، گینه بیسائو نشان داده است، پیروزی از آن خلق‌هاست!

مرگ بر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا! فرخنده‌باد چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا! زنده‌باد همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان جوانان توده ایران

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است

روزیه از اسفهان ۱۰۰۰۰ ریال	روزیه از تبریز ۱۰۰۰۰ ریال
محمود از قزوین برای حزب پدرش ۴۰۰۰ ریال	دکتر فروش نشریات حزب از شهرکرد ۱۵۰۰ ریال
احمد رز از شهرکرد ۵۰۰ ریال	روزیه شرف از شهرکرد ۲۰۰۰ ریال
ش. ش. از شهرکرد ۱۰۰۰۰ ریال	ملاهندان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام قتی کرمنش و به شماره ۳۳۳۲ شنبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل سنوی)، خیابان شهید دکتر حسین قلمی بپردازند
محمود از شهرکرد ۲۰۰ ریال	جان محمد از شهرکرد ۱۵۰ ریال
هوشنگ از شهرکرد ۳۰۰ ریال	ع. ع. از شهرکرد ۵۰۰۰ ریال
پ. پ. از شهرکرد ۵۰۰۰ ریال	کاره کوچک از شهرکرد

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیژادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 369
12 November 1980

Prices:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر یا نامه مردم، مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران